



فراخوان نهادهای داخل	بیانیه جمعی از زندانیان سیاسی	نیروی های سرکوب	اصول شورای مستقل همبستگی با جنبش های اجتماعی در ایران
پاسخ چه باید کرد ما چیست؟ صفحه ۸	خشونت علیه زنان صفحه آخر	کشور پهناور چین جهان را به لرزه در خواهد آورد صفحه ۱۲	منصور حکمت و حزب سازی ۱ صفحه آخر
جامعه و تحلیل دینامیسم پوشی صفحه آخر	قهر مامای تولد جامعه نوینی است. صفحه ۱۱		

## جنبش آبانماه

آبان ماه امسال با گران کردن سه برابر قیمت بنزین در روزهای ۲۶ و ۲۷، در خشم و نفرت و شورش مردم ستمدیده و استثمار شده و داغدیده گذشت. رژیم با قساوت و بیرحمی خاص قرون وسطائی خود بربرمنشانه هر صدای اعتراضی را به گلوله بست و خیابان ها را بار دیگر از خون فرزندان زحمتکششان ایران رنگین کرد. موج های اعتراضی که در دو دهه گذشته همچنان بر رژیم اسلامی می کوبد هر روز فاصله اش کوتاه تر و دامنه کارش توده ای تر می شود (در ادامه مبارزات مردم رنجبر زحمتکش از سال های ۷۶، ۸۸، ۹۶ و این بار ۹۸ است).

این بار دامنه خشونت ها بعلت استواری و مقاومت مردم در خیابان ها با عکس العملی بی رحمانه تر و خونین تراز جانب رژیم روبرو شد. زد و خورد ها بین مردم و نیروهای سرکوبگر رژیم از نیروهای انتظامی تا

سپاه پاسداران و پلیس و لباس شخصی ها شدیدتر بود. مردم با به آتش کشیدن ارگان ها و حمله به نیروهای سرکوبگر نشان دادند که دیگر ترس و واهمه ای از نیروی سرکوبگر رژیم ندارند و قادر هستند متحدانه تر و با تکیه به نیروی خود هر رژیم جنایتکاری را به گورستان تاریخ بفرستند. بر طبق آمارهای مختلف این اعتراضات تا به حال ۷۰۰ شهر و شهرک را فرا گرفته است. و تعداد شرکت کنندگان در آنها سر به صدها هزار نفر می زند. رژیم اسلامی سعی دارد که آمارها را بخاطر کم رنگ کردن ابعاد این جنبش کمتر نشان دهد. اما تا به حال صدها نفر جان باخته اند تا وقتی که این مطلب نوشته شده آخرین خبر از تعداد کشته شدگان ۳۶۶ نفر است، هزاران نفر دستگیر و زندانی و شکنجه شده اند و از سرنوشت بسیاری از دستگیر شدگان اعتراضات اخیر خبری نیست. اکثر شرکت کنندگان در این

صفحه ۲

## شانزده آذر: ما فرزند کارگریم

گرامی باد شانزدهم آذر روز دانشجو فرزند کارگرانیم، کنارشان می مانیم شانزدهم آذر هزار و سیصد و نود هشت گواهی است از آگاهی دانشجویان نسل کنونی جامعه ایران، نظرات ارائه شده در میتینگ های گوناگون، جمع بندی تاریخی است از مبارزات صد ساله ی توده های ستمدیده و استثمار شده، در این سال های طولانی، برای آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی. بی شک متاثر از جنبش عظیم فرو دستان در آبان ماه، شانزدهم آذر ماه امسال آغازی است نوین برای ادامه ی جنبش های توده ای عظیم در این چهل سال علیه رژیم جمهوری اسلامی. جنبشی است که پرچم ضد کودتای آمریکایی سال ۱۳۳۲ را بار دیگر برافراشته نگاهداشته، همبستگی خود را با قیام

صفحه ۶

## گزارش یکی از مخاطبان ما از ماهشهر

«سلام  
من اهل ماهشهرم و حتماً میدونید که در اعتراضات اخیر بعد از کرمانشاه، ماهشهر بیشترین تعداد کشته رو داشت. نمیدونم چقدر ماهشهر رو میشناسید. ماهشهر با داشتن بیش از ۲۰ مجتمع پتروشیمی یکی از بزرگترین قطب های پتروشیمی ایران و حتی خاورمیانه است و همچنین با داشتن بندر امام خمینی دارای یکی از بزرگترین بنادر تجاری در ایران و همچنین یکی از بزرگترین بنادر صادرات نفت در کشوره (بیشتر نفت ایران و بیشتر محصولات تولیدی پالایشگاه آبادان از ماهشهر و خارک صادر میشه) و جالبتر اینکه ماهشهر بین دو رودخانه زهره و جراحی قرار گرفته و از لحاظ کشاورزی و صیادی هم جایگاه ویژه ای بین بقیه شهرهای خوزستان داره.  
بزرگترین مخازن نگهداری و صادرات بنزین گازوئیل و میعانات و غیره با فاصله پنج دقیقه ای خونه ی هر

کدوم از اهالی ماهشهره. حالا در کنار این شهر که از لحاظ جمعیت در رتبه دوم شهرهای خوزستان بعد از اهواز قرار داره، چند شهرک قرار گرفته که همه کارگر نشین و به شدت فقیر هستن:  
شهر چمران (جراحی)، شهرک طالقانی (کوره)، شهرک رجایی (زنجریر)، شهرک مدنی و دهکده گاما. توی این شهرکها به دلیل بیکاری و فقر گسترده انواع بزه رواج داره. درمورد دهکده گاما جالب اینه که در فاصله هزار متری مجتمع های پتروشیمی قرار داره اما حتی ساکنینش به حمام ساده دسترسی ندارند.  
حالا با گفتن اینا میخوام به اینجا برسم که اهالی ماهشهر و این شهرک ها حتی یک بانک رو آتش زدند (ماهشهر تنها شهردرگیر در این اعتراضات بود که حتی یک بانک آتش نگرفت)، حتی یک مغازه هم صدمه ندید. تنها کاری که مردم کردند درست کردن راه پندان

صفحه ۴

## نقش زنان در جنبش مقاومت آبان ماه

یکی از عجایب دنیا در ایران ما اتفاق افتاده است. حکومتی بغایت زن ستیز، ارتجاعی که قرآنش زن را در امور اجتماعی و حقوقی نصف مرد به حساب می آورد و از همان روزهای اول انقلاب خمینی حکم اجباری حجاب را صادر کرد زنان به نیرویی بس قدرتمند در تغییر انقلابی جامعه اسلامی تبدیل شده اند و در خیزش اخیر نقش موثری در هدایت و سازماندهی مقاومت در برابر نیروهای سرکوبگر داشتند.  
در ماهشهر، شهر کارگران و فرودستان که گلوگاه تجاری و ارتباطات بازرگانی حکومت است معترضان که اکثریت عظیم مردم توی دست بودند با شدیدترین شیوه ی خشم نیروهای مسلح رژیم جنایتکار روبرو شدند. مردم شهر که در روز های اول بطور مسالمت آمیز دست به اعتراض علیه

صفحه ۳



## به یاد یلدای ۱۳۵۵



رفیق پرویز واعظ زاده مرجانی، رفیق معصومه (شکوه) طوافچیان، رفیق مهوش (وفا) جاسمی

## جنبش آبانماه

اعتراضات از طبقات فرودست اجتماعی و نیز عناصر تحصیل کرده جامعه هستند. جان آنها در خطر فوری است. بر طبق گزارشات، رژیم بسیاری از دستگیرشدگان اخیر را به شیوه های گوناگون کشته است و اجساد آنها را در مکان های متعدد دفن کرده است.

رژیم بنزین را گران کرد و سفره خالی مردم را خالی تر و فشار به مزدبگیران پایین جامعه را باز هم افزایش داد. اما این فقط سفره های خالی نیست که خالی تر میشود. این فشار اقتصادی و معیشتی به مردم کارگر و زحمتکش پیامدهای وسیع در رفتارهای فرهنگی و اجتماعی کل جامعه خواهد گذاشت. ناشی از فقر عمومی که در حال برآمدن است می توان افزایش اعتیاد به مواد مخدر، از هم پاشیدن شیرازه های خانواده، گسترش باندهای بزهکار، از بین رفتن امنیت فردی در جامعه، ایجاد جو خفقان و سرکوب روشنفکران و نویسندگان و روزنامه نگاران متعهد و مترقی و خلاصه به عقب کشیدن جامعه در ابعاد مختلف را به عیان دید.

با جنبش آبان ماه امسال جامعه ایران یک قدم دیگر به رویارویی نهایی با رژیم اسلامی در جهت براندازی آن نزدیک تر شده است. در برخی از مناطق درگیری ها به سطح مسلحانه رسیده است. خامنه ای معتزین را اشرار نامید و عملاً مسئولیت کشت و کشتار ها را بعهده گرفت. در حالیکه چند روز بعد فریبکارانه و ناشی از ترس از مردم خواهان پرداخت دیه به خانواده کشته شدگان اعتراضات آبان ماه امسال شد.

روشن است امروز این آمادگی همگانی از رو در رویی مسلحانه و قیام در جامعه وجود ندارد ولی این جرقه هایی است که می تواند سریعا به یک حریق وسیع تبدیل شود. بجای احساسات بایستی ارزیابی درستی داشت که آیا رسیدن به این سطح مبارزه فقط از شدت خشونت هاست و یا رشد سطح عمومی جامعه برای سرنگونی رژیم و برپایی یک انقلاب است. دو نکته ظریفی که می تواند سمت جامعه را عوض کند.

امروز در جامعه ایران دو اردوگاه در برابر هم قرار گرفته اند ۱- اردوی کارگران و زحمتکشان و توده های ستمدیده و استثمارشونده ۲ - اردوی بورژوازی، از نیروهای اپوزیسیون درونی و بیرونی رژیم تا متحدین

امپریالیستی، اصلاح طلبان، سلطنت طلبان و مجاهدین و.....

ایران از زمان انقلاب مشروطیت و رشد سرمایه داری در ایران بطرف دو قطبی شدن گام برداشته است و با رشد بورژوازی و تکامل اجتماعی و گسترش کیفی و کمی طبقه کارگر هر چه که می گذرد تشدید و فاصله طبقاتی زیادتر شده است. با دست به دست شدن قدرت توسط بورژوازی از یک جناح به جناح دیگر در سالهای ۵۶-۵۷ در ایران، تغییر اساسی در شکل بندی طبقاتی بوجود نیامده است. و تضادهای رژیم شاهنشاهی بصورت گسترده تر و شدیدتر آن در رژیم اسلامی حتی در اشکال حکومتی ادامه یافته است. تنها تغییر در شکل ساختار رژیم پادشاهی به یک رژیم مذهبی اسلامی اتفاق افتاده است.

بحران سرمایه داری چه در ایران و چه در سطح جهانی قطب بندی طبقاتی را تشدید کرده است طبقات میانی بشدت در حال اضمحلال هستند و بسوی ارتش بیکاران سوق داده می شوند. نیروی کار کارگران جهان با رشد و تکامل تکنولوژی و صنعت از تولید بسوی کارهای خدماتی سوق داده می شود و افزایش ارتش بیکاران به ارزان تر شدن نیروی کار و رقابت برای یافتن کار و تامین حداقل زندگی اجتماعی می انجامد.

در کنار تشدید مبارزه طبقاتی در تمامی جهان که از آمریکا و اروپا تا کشورهای تحت سلطه و پیرامونی را در بر می گیرد، و به پایان دولت های رفاه انجامیده است. فقر در سرتاسر جهان (با توجه به رشد جوامع) در ابعاد گوناگونی در حال رشد و در عین حال شرکت های بین المللی از سودهای حیرت آور بهره مند می شوند.

در نبود یک آلترناتیو کمونیستی و رهبری طبقه کارگر جنبش های معترض و مترقی اجتماعی هم که سربرآورده اند بعد از مدتی به سکوت و خاموشی دوره ای می گرایند و در بهترین شرایط موفق به کسب برخی از فرم ها و خواست های خود می شوند. آنچه که روشن است جنبش و اعتراضات داخلی ناشی از استثمار و ستم بی حد و حصر حاکمیت علیه توده های مردم است، وصل کردن این جنبش به خارج از کشور و ادعای جماعت سلطنت طلب و مجاهد در براه انداختن آن، از آن مواضع نفرت انگیزی است که آبخشورش فقط مرجع ترین نیروهای دولتی و اپوزیسیون مرجع بورژوازی

داخلی و خارجی هستند.

به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی در همان روزهای اول همراه است با سرکوب همه خواسته هایی که انقلاب سال های ۵۶-۵۷ برای آن جنگیده بود. در دوره جنگ ایران و عراق، رژیم اسلامی موفق به تحکیم خود و سرکوب و کشتار های بی مهابا از مخالفین سیاسی خود از نیروهای سوسیالیست و کمونیست تا اپوزیسیون درونی خود است. این دوران که تا پایان ریاست جمهوری رفسنجانی ادامه دارد، در عین شکل دادن به یک بحران سیاسی ولی هنوز بعلت نزدیکی با بانک جهانی و سپردن بازسازی ایران به شرکت های بزرگ بین المللی تنش های وسیع اجتماعی بعلت بحران اقتصادی چهره خود را فراگیر نکرده است. هنوز دعوا بر سر نظارت استصوابی و دعوای چگونگی بازسازی دوران بعد از جنگ ایران و عراق و..... هستیم. با رشد بحران اقتصادی و شکست اصلاح طلبان و اپوزیسیون بورژوازی درونی و بیرونی رژیم. نقش طبقات اجتماعی در تنش های اجتماعی بصورت مستقیم شدت می گیرد. در این دوران شاهد رشد جنبش دانشجویی، زنان و کارگران، پرستاران، معلمان و..... هستیم. باشکست وعده های رفسنجانی و بهتر است بگوییم با پیروزی طرح های بانک جهانی (که همیشه به فقر بیشتری انجامد). سقوط اقتصادی و تعطیلی واحدهای تولیدی با طرح هایی از جمله طرح فروش واحدهای تولیدی به بخش خصوصی اوج بیشتری گرفت. اقتصاد ویران ایران با تکیه به واردات کالا در برابر نفت به فقر و بیکاری گسترده ای در جامعه انجامیده است. نتیجه آن رشد فساد در همه زمینه های دولتی است. در پی شکست اصلاحات که در ایران دارای زمینه های متعدد تاریخی است. جنبش های رادیکال بصورت موج وار سربرآوردند. اگر درخواست جنبش ۷۶ مسئله اصلاحات و باز کردن فضای سیاسی بود، جنبش های بعد از آن از نطفه های اعتراضی قوی تر و رادیکال تری با رژیم شکل گرفتند و با گذار زمان اعتراضات اشکال رادیکال تر و شعارها روشن تر و خواست ها مترقی تر پیشروتر شدند. اما این اعتراضات در زیر سایه خشونت های افسار گسیخته ای شکل گرفتند که از روز اول رژیم علیه مردم اعمال می کرد. هجوم گله های حزب الله، لباس شخصی ها، نیروهای انتظامی اطلاعات، گارد ویژه به مردم، زدن و کشتن، ویران کردن، دستگیری و شکنجه بخشی از نحوه تقابل رژیم با مسالمت آمیز ترین اعتراضات بوده است. به همین دلیل هر چه بیشتر به جلو می رویم با مقاومت و حضور بیشتر مردم در خیابان ها رژیم از سبعیت و بربریت بیشتری استفاده می کند. جنبش ۸۸ با شعار رای من را پس بده هنوز کاملا از رژیم نبریده است ولی شکل توده ای بخود گرفت. میلیونها نفر در آن که هنوز توهم نسبت به اصلاح طلبان وجود داشت شرکت کردند. زمان نشان داد که اصلاح طلبان فقط در چهارچوب رژیم جمهوری اسلامی حاضر به اصلاحات هستند. در حالیکه مردم خواهان گذار از رژیم اسلامی و کل ساختارهایش بودند. تا سال ۹۶ که جنبش کارگری با تشکیل برخی اتحادیه و سندیکاها قدم به صحنه مستقل مبارزه اجتماعی می گذارد. تنش ها عمومی تر،

رهبران جمهوری اسلامی بخاطر جنایت هایشان باید به دادگاه مردمی سپرده شوند



قدرت سیاسی به زیر بکشند. بدون مبارزه ضد سرمایه داری و ضد امپریالیستی با سمت روشن سوسیالیستی انقلاب و شورش های طبقات تحتانی جامعه به شکست خواهد انجامید. جامعه ایران نشان داده است که حتی برای حل مسائل دمکراتیک جامعه از جمله جدایی دین از دولت و آزادی های دمکراتیک و غیره فقط برنامه سیاسی طبقه کارگر و انقلاب سوسیالیستی می تواند به حل نهایی آن دست بزند. به علت اینکه انقلاب سوسیالیستی علیه مالکیت خصوصی، علیه استثمار، علیه ستم انسان بر انسان است، هیچ جمهوری سکولار و یا اشکال دیگر حکومت بورژوازی جواب بحران سرمایه داری و دولت های حامی آن مانند جمهوری اسلامی نیستند. هر چقدر که رژیم جمهوری اسلامی با مقاومت سرسختانه تری از جانب مردم روبرو شود، ولی بدون تشکیلات عظیم توده ای که بتواند اداره شورائی جامعه را سازماندهی کند، این مقاومت ها سرنوشت جامعه را رقم نخواهند زد. این اعتراضات فقط می تواند به متشکل شدن بیشتر مردم کمک کند. اما اتحاد هر چه بیشتری که امروز در جامعه علیه رژیم جمهوری اسلامی در حال شکلگیری است در صورتیکه به یک وحدت عظیم تشکیلاتی زیر پرچم کمونیسم علمی فراروید، جامعه از دور تسلسل مبارزه و سرکوب خلاصی خواهد یافت و با سرنوشت رژیم جمهوری اسلامی جامعه حرکت خود را به طرف رهایی تاریخی آغاز خواهد کرد سرنوشت باد رژیم جلا منش جمهوری اسلامی زنده باد انقلاب، زنده باد سوسیالیسم

ع.ع

۱۳۹۸/۹/۲۴

## نقش زنان در جنبش مقاومت آبان ماه

گرانی بنزین زده بودند بناگاه با نیروی مسلح از آسمان وزمین وفرمان به آتش روبرو شدند. آنها چون قشون مغولی کشتند، سوزاندند و بردند. اما زنان ماهشهر حماسه ای ساختند. زخمی ها را در خانه ها جا دادند، آنها را با تمام اینکه از هر گونه وسایل بهداشتی محروم بودند از مرگ حتمی نجات دادند و هنگامی که نیروهای تجاوز گر برای دستگیری زخمی ها بزور به خانه ها وارد شدند مقاومت کردند و خانه به خانه دوش بدوش مردان جنگیدند.

مادر پویا بختیاری می گوید: سکوت به معنی همدستی با ستمگران است " او با دیگر مادران داغ دیده همراه شده است اما تفاوتی بس مهم در گفتار و کردار او دیده می شود. او نه تنها به کشتن فرزندش اعتراض دارد تاکید می کند پسرش برای آرمان های مشترکشان جان خود را فدا کرده است و او همچنان راه پویا را ادامه خواهد داد.

دیروز در پشت میله های زندان بود که شاهرخ زمانی بیهراس از مرگ فریاد مبارزه با نظام را به

مترقی قرار گیرد. آنها نشان دادند که با امکاناتی که کشورهای خارجی بویژه غربی و برخی حکومت های خاورمیانه در اختیارشان می گذارند، توان بسیج نیرو را در خارج پیدا کرده اند. در عین حال نیروهای داخلی و جنبش های ۹۶ و ۱۳۹۸ بیش از گذشته به افشای نیروهای راست امپریالیستی، طرفدار غرب، لیبرال های مذهبی و نئولیبرال دست زدند.

به غیر از نیروهای کمونیست و سوسیالیست هیچ نیرویی به دفاع واقعی از زحمتکشان و کارگران جامعه برخاست. سلطنت طلبان بیش از آنکه دنبال منافع مردم باشند به دنبال رضا پهلوی و خواب های آشفته دوران محمد رضا شاهی هستند. مجاهدین همچون سلطنت طلبان با خوش رقصی خواهان سهم گیری در رژیم سیاسی بعد از جمهوری اسلامی هستند. بعلت رابطه های پشت پرده دولت های امپریالیستی با رژیم جمهوری اسلامی اخبار این جنبش در مדיاهای جهانی وابسته بازتاب کافی نیافت.

ما زمینه های جنبش آبانماه امسال را در برخی نشان دادیم. این شورش علیه دست درازی و تعرض رژیم به سفره های خالی مردم بود. این شورش علیه گرانی بنزین مبارزه ای علیه کل نظام سرمایه داری مذهبی هم بود. رژیم اسلامی سعی کرد که در برخی نقاط با نفوذ به درون تظاهر کنندگان و حرکات افراطی برای خود بهانه های سرکوب را بدست بیاورد. ولی اطلاعات موثق نشان می دهد که این تاکتیک رژیم هم دیگر در بین مردم رنگی ندارد و مردم دست رژیم را خوانده اند. خامنه ای جنایتکار با اذغان به کشتار مردم بیگناه می گوید که باید به مردم دیه پرداخت کرد. در حقیقت او فریبکارانه می خواهد نقش آگاهانه دولت در کشتارهای خیابانی را به یک اشتباه تقلیل دهد. هر چه می گذرد اطلاعات بیشتری از اعتراضات آبانماه انتشار می یابد. از آنجمله است قتل عام مردم بیگناه در نيزارهای ماهشهر و.....

موج بعدی در راه است و ایضا رژیم به خوبی می داند. کشتارهای وسیع فقط می تواند بصورت موقتی شورش و انقلابات را آرام و یا موقتا خاموش کند و هرگز نتوانسته آنرا از بین ببرد. اعتراضات دهه گذشته تا به امروز نشان داده است که ضرورت به یک تشکیلات در دو سطح علنی و مخفی کمونیستی هر روز بیشتر خود را نشان می دهد. اوضاع برای انقلاب خوب است. دشمنان انقلاب برای آن به کمین نشسته اند. جنبش کمونیستی در اوضاع تعیین کننده ای قرار دارد یا نقش خود را بصورت یک نیروی پر قدرت و آلتناتیو اجتماعی عملی می کند و یا برای دوره ای دفن خواهد شد. نیروهای مختلف سیاسی آلتناتیوهای خود را شکل داده و روشن کرده اند که دو راه حل برای این انقلاب وجود دارد. ۱- این انقلاب مجدداً به دست نیروهای بورژوازی افتاده و ما به شیوه های گوناگون شاهد دست به دست شدن قدرت و ابقای وضع موجود با دور دیگری از کشت و کشتار و فقر و بدبختی روبرو خواهیم شد ۲- کمونیست ها قادر خواهند شد با برنامه برای انقلاب سوسیالیستی، توده های کارگران و زحمتکشان و اقشار فرودست جامعه را متحد کرده و بورژوازی را از

پایداری و رادیکالتر می شود. جنبش ۹۶ که اساساً از درون طبقات فرودست جامعه سربرآورده بود، به دو مسئله جواب نهایی داد: اعلام پایان عمر اصلاح طلبی و جناح بندی ها و توهم نسبت به آنان آنهم با شعار «اصلاح طلب، اصولگرا دیگه تمامه ماجرا» و نکته دیگر اینکه شعار «مرگ بر دیکتاتوری» «مرگ بر جمهوری اسلامی» را به شعار علنی و توده ای خیابان ها تبدیل کرد. جنبش ۹۶ آخرین جنبش اجتماعی عظیمی بود که به لحاظ سیاسی مرزهای روشنی را ترسیم کرد و سپس با شعار «نان کار آزادی اداره شورایی» آلتناتیو خود را ارائه داد. در عین حال سال ۹۶ جنبش در موقعیتی سر برآورد که جنبش کارگری در حال رشد و سازماندهی بود. سرکوب جنبش ۹۶ آن ویژگی را داشت که بعد از آنهم دولت نتوانست بر اوضاع مسلط شود و اعتراضات اجتماعی به محاق سکوت نفت و اعتراضات در سطحی محدودتر ادامه یافت. در طی این مدت مبارزات کارخانه هفت تپه، فولاد اهواز، هپکوی اراک و حمایت های بخش های دیگر توانست محیط مبارزاتی ایران را همچنان سرزنده و پرنرژی نگاه دارد. در عین حال فشار عمومی به کارگران و زحمتکشان با شدت گرفتن بحران اقتصادی بطرز فزاینده ای ادامه پیدا کرد به نحوی که بسیاری از کارگران حتی قدرت تامین زندگی خود را از دست داده و با اینکه چند شیفته و چند شغله بودند ولی کفاف زندگی شان را نمی داد. در این شرایط که مردم در فشار اقتصادی و خالی شدن سفره هایشان بودند رژیم با سرکوب کردن مردم برای پر کردن بودجه های گوناگون دولتی و غیر دولتی دست به بازی با ارزهای خارجی زد و ناگهان دلار ۳۰۰۰ تومانی به بالای ۱۲۰۰۰ تومان صعود کرد. هنوز شوک ناشی از بالا رفتن قیمت ها و اوج گیری بحران تمام نشده بود که دولت با گران کردن بنزین بازم تعرض جدیدی را به سفره های خالی کارگران و زحمتکشان و حقوق بگیران دون پایه جامعه شروع کرد که خود جرقه ای بود بر آتش خشم مردم جان به لب رسیده. و چنین بود که جنبش آبان ماه توفنده تر از گذشته سربلند کرد. این جنبش در تکامل جنبش ۹۶ ولی با قدم هایی روبه پیش:

۱- ترکیب این جنبش را اساساً جوانان و زنان طبقات پائین دست جامعه، دانشجویان، کارمندان دون پایه شرکت های خصوصی تشکیل می دهد

۲- این جنبش هیچ نشانی از توهم و یا سازش با خود نداشت و در برابر کلیت نظام حاکم با سرسختی تمام ایستاد.

۳- این جنبش اداره جامعه را حتی به مدت چند ساعت و یا چند روز در برخی از مناطق و محلات و شهرها بدست گرفت و سنت نوینی از اداره جامعه را توسط پائینی ها نشان داد.

۴- جنبش آبانماه ۹۸ همه نیروهای اجتماعی و سیاسی درونی و بیرونی جامعه را مجبور کرد که موضع و جایگاه خود را در برابر آن روشن کنند.

۵- برآمد این جنبش نشان داد که نیروهای سلطنت طلب یکی از خطرات آینده جنبش انقلابی و عدالت طلب در خارج از ایران هستند. و افشای سیاست و خواسته های آنان بایستی بطور جدی در دستور نیروهای



## گزارشی از ماهشهر

و بستن جاده های دسترسی به منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی (مجمع های پتروشیمی) و بستن راه دسترسی به بندر امام خمینی بود اونم با آتش زدن چند حلقه لاستیک و قرار دادن چند تا سنگ توی جاده و خاموش کردن چند تا کمپرسی و کامیون در جاده. حالا فکر میکنید چه اتفاقی افتاد؟ به دستور استاندار و با مجوز شاک، سپاه خوزستان یه تیپ ویژه تکاور به ماهشهر فرستاد به همراه دو تانک (بله واقعا تانک) و شش نفربر و کلی سلاح سنگین و نیمه سنگین و حتی هلی کوپتر نظامی! به محض ورود به ماهشهر ابتدا توی شهر چمران (جراحی) وارد شدند و مردم رو به گلوله بستن. با کلاشینکف؟ خیر با تیربار دوشکا. دقیقا با تیربار دوشکا. و از هلی کوپتر هم توی شهر چمران (جراحی) به مردم عادی تیراندازی کردند. حتی به سمت مردمی که توی خونه بودن و حتی توی راهپیمایی اعتراضی شرکت نکرده بودند. و در همون ساعت اول حدود ۱۷ نفر از جمله دو کودک ۴ و ۸ ساله و یک پیرزن هفتاد و چند ساله با تیر مستقیم برادران پاسدار کشته شدن (آمار بقیه کشته ها به علت فرار جوان ها به بیشه ها و تیراندازی کور پاسدارها به این بیشه و نیزارها هنوز مشخص نیست).

چند کشته از بین زخمی هایی بودند که بیمارستان شهر به دستور پاسداران از پذیرششون امتناع کرد. عصر همون روز وارد شهرک های رجایی و دهکده گاما و شهرک مدنی شدند و اونجا رو هم از کشتار بی نصیب نگذاشتند.

بخشی از ساکنین این شهرک ها که از عشایر عرب خوزستان هستند، طبیعتا مسلح هستن. سپاه به عمد با این حمام خونی که راه انداخت مردم رو تحریک کرد. درگیری به شهرک طالقانی (کوره) کشیده شد و چون مردم این شهرک مقابل به مثل کردند، از ساعت شش هفت عصر سه شنبه تا ساعت یک بامداد چهارشنبه حتی یک ثانیه صدای رگبار قطع نشد.

با تانک وارد شهرک شدند اما با مقابله مردمی در این شهرک ها، غائله جمع نشد و پاسداران هم کشته و زخمی زیادی داشتن که با وساطت شیوخ و ریش سفیدان و بزرگان منطقه تیراندازی قطع شد و شهرک طالقانی محاصره شد.

بعد از اون تا سه روز متوالی از این شهرک ها هر جوانی گیر می آوردند دستگیر می کردند. و فعلا غائله ساکت شده ولی همیشه گفت آرامه.

فاجعه انسانی که اینجا اتفاق افتاد مورد توجه کسی نیست. خیلی ها فکر میکنند اینجا بانک آتش زدند، ولی حتی به عابر بانک توی ماهشهر صدمه ندید. تنها به این دلیل که مردم این شهر پاشون رو روی شاهرگ اقتصادی کشور گذاشتن به این شکل سرکوب شدند. توی هیچ شهر دیگه ای نه با تانک وارد شدند و نه کماندو ویژه فرستادن و نه نیروی تکاور با هلی کوپتر پیاده کردن. مردم ایران حق اعتراض ندارند، اما مردم ماهشهر حتی به اندازه بقیه ایرانی ها هم اجازه عصیانگری ندارند.

خواهش میکنم واقعیات این شهر رو منعکس کنید. خوزستان امروز

دوشنبه ۱۱ آذر ۱۳۹۸

## نقش زنان در جنبش مقاومت آبان ماه

گوش بیرونی ها می رساند، امروز زنان مبارزی هستند چون سپیده قلیان که بی هراس از زندان و شکنجه چند باره در خیزش آبان آشکارا شرکت می کند و در کنار جنبش کارگری و بویژه کارگران مبارز هفت تپه بعنوان یک خبرنگار مستقل تا آخر می ایستد.

مروری به ویدئوهای روز های عمومی خیزش آبان همه حکایت از پیشتازی زنان در این جنبش دارد. گزارشگران روز نامه های دولتی ایران وحتى صدا و سیما از شرکت زنان در اعتراضات هراسناکند.

خبرنگار شرق از رفسنجان چنان گزارش می دهد که زنان رهبر و سازمانده روزهای اول تظاهرات بوده اند. یا خبر نگار صدا و سیما به مقامات امنیتی از شرکت وسیع زنان در اعتراضات هشدار می دهد.

ما به یاد داریم سالهای قبل از انقلاب ۵۷ را که چگونه زنان بطور وسیع در جنبش براندازی رژیم سلطنتی نقش فعالی داشتند و خمینی دجال هراسناک از نقش پر قدرت آنها در کلیه شیون زندگی اولین اقدامش فرمان حجاب اجباری بود که با مقاومت توده های زنان رو برو شد. خیزش آبانماه یکی دیگر از دستاوردهای آشکار کردن نقش نیمی از جهان در انقلاب در حال شدن در ایران است. جنبش زنان از روند تک خواست ها چون آزادی پوشش و دیگر خواست های ویژه زنان در عمل وارد یک تحول کیفی تاریخی شده است. همراهی با کل جنبش و مبارزه همراه با طبقه کارگر و دیگر جنبش های اجتماعی برای آزادی و برابری...

## جامعه و تحلیل دینامیسم پویشی

نوپای خود را تنبیه کردند و پشتش را خالی نمودند. آلت ناتیو جایگزین شونده نه ملی گرایان، نه عدالت طلبان و نه طبقه متوسط بلکه نیرویی به مراتب ارتجاعی و سنتی تر که اساسا با ماهیت نظام سرمایه داری جهانی هم خوانی نداشت قدرت را قبضه نمود، که در این روال از پشتیبانی و هدایت نظام سرمایه داری جهانی برخوردار بوده و در پشت پرده دست دست استکبار شرق و غرب

روی کار آمد. اگر چه با خدعه و نیرنگ شعار نه شرقی و نه غربی می دادند. بند ناف جمهوری اسلامی در کنفرانس گوادلوپ و بدست مجریان باشگاه سرمایه داران نظام جهانی بریده شد.

با روی کار آمدن نظام کذایی جمهوری اسلامی همه نیروهای مترقی و پیشرو در نطفه خفه و قلع و قمع شده و ساختاری ویژه با ایدئولوژی خاص بنیان گذاشته شد.

نظام حاکم در این چهل سال گذشته دیگ جامعه ایران را بطور کامل زیر و رو کرده و همه تعاریف و ساختارهای قبل را تغییر و تحولی شگرف در نحوه نگرش و شیوه زندگی مردم بوجود آورده است.

ولی نظام حاکم همان نظام بهره جو، مصادره گر و همان ساختار سرمایه دارانه است اما نه سرمایه داری تولیدی!!

ساختار سرمایه داری ج. اسلامی در ایران، دارای روابط سرمایه دارانه است، یعنی دارایی و تجمع ثروتی که می تواند منجر به شکل گیری نظام تولیدی سرمایه دارانه شود در دست اقلیتی متمرکز دارد ولی نه در جایگاه تولیدی و سرمایه گزارانه!! این ساختار اقتصادی چون تولیدی نیست استثمار به شیوه سرمایه داری تولیدی و به معنای مارکسی در آن شکل نمی گیرد بلکه فقط مصادره است، یعنی از خود بیگانگی مشابه آنچه در سرمایه داری تولیدی وجود دارد در سرمایه داری تجاری و دلالی و سرمایه داری بانکدارانه و مستغلاتی و مالکانه به وجود نمی آید. تا طبقه کارگری که در اکثریت هست بوجود آید و بدلیل کم برخورداری صدای متحد و مشابهی داشته باشد. ولی اکثریت فقیر و غیر برخوردار بوجود می آید متفرق و غیرمتشکل. به همین منوال نیز قانون سرمایه داری تولیدی، دولت سرمایه داری، مجلس سرمایه داری و نیز دادگستری و حزب و جامعه مدنی سرمایه داری تولیدی هم نباید از آن بیرون بیاید. چون نظام این نوع سرمایه داری با شیوه باز تعریف شده در کاپیتال مارکس که شیوه تولید سرمایه دارانه را تشریح می کند تفاوت بنیادی دارد. اگر که بخواهیم خصوصیت های ماهیت فرهنگی، جغرافیایی، و جنسیتی، و... را هم دخالت بدهیم که دیگر...!!! ویژگی به کل متفاوتی به خود می گیرد.

دولت های مختلف در چهل سال اخیر همه کارگزاران سرمایه داری جهانی بودند. جنگ مثلا تحمیلی بورژوا امپریالیستی را به مردم ایران تحمیل کردند، یک میلیون نفر را کشتند... میلیون ها نفر را زخمی و گرفتار و بی خانمان کردند... نیروهای سیاسی مخالف را در گرد و خاک جنگ منهدم و به نیستی کشاندند... بازار مصرف سلاح و مهمات کارخانه های سرمایه داران را رونق دادند و دست آخر هم با وام های کلان بانک جهانی و صندوق بین المللی به باز سازی و الگو سازی دوباره پرداختند. تکنوکرات های تحصیل کرده



## خشونت علیه زنان

استثمار را به همراه می آورد ولی با تمام این شرایط نابرابری انسان ها در برابر قوانین موجود جامعه خود به رشد و گسترش خشونت دامن می زند. وقتی دو نفر در یک تصادف رانندگی درگیر هستند و هیچ تأمین برای جبران خسارت نیست و یا وقتی فردی که به یک قتل متهم است بایستی مشکل قضاوت را با دیه حل کند و سیستم قضا و قوانین اجتماعی به هیچ گرفته می شود. زمینه های حقوق اجتماعی به دفاع فردی تبدیل می شود و در جامعه ای که حق فرد در جامعه به موضوعی فردی تبدیل شود، استفاده از نقش برتری در جایگاه اجتماعی و قدرت بدنی نقش در جه اول را بازی می کند. حال با توجه به نکات فوق می توان دریافت که چرا در اکثر کشورهای جهان خشونت علیه زنان در ابعاد وسیعی جریان دارد. خشونت در یک جامعه موضوع و مسئله ای عمومی است اما در رابطه با زنان خشونت بطور مضاعف علیه آنان اعمال می شود، جامعه و مدیباها عمدتاً به خشونت های فیزیکی علیه زنان اشاره دارند ولی خشونت فیزیکی تنها بخشی از مسئله تعرض به زنان جامعه است. خشونت علیه زنان از طرق مختلف انجام می گیرد از جمله خشونت جنسی، نابرابری اقتصادی، حقوقی، روانی، خانوادگی، فیزیکی، زبانی، رفتاری و....

رفع خشونت علیه زنان بدون درهم شکستن مناسبات نابرابر استثمارگرانه و ستمگرانه غیر ممکن است. بدون رهایی کل جامعه از قید طبقات استثمارگر، بدون درهم شکستن دولت های مدافع خشونت امکان رهایی زنان هم وجود ندارد وقتی جامعه ای آزاد نیست بخشی از جامعه قادر به رهایی خود نیست. رهایی زنان با رهایی کل جامعه ارتباطی مستقیم و دیالکتیکی باهم دارند و بر هم تأثیرات مستقیم می گذارند. بطور مثال امروز تجارت سکس یکی از پرسودترین تجارت های جهانی است که باندهای مختلف بین المللی در آن همکاری و شراکت دارند و یا در کشورهای جهان به ندرت می توان شغلی را پیدا کرد که در آن حقوق زن و مرد در برابر کار مساوی، بصورت برابر پرداخت شود.

مردسالاری در جوامع خشونت علیه زنان را تحکیم می کند. در اکثر کشورهای جهان مردسالاری حاکم است. قوانین حمایتی از زنان حتی در کشورهای متروپل سرمایه داری هم هنوز نتوانسته جایگاه مساوی برای زنان به ارمغان بیاورد. در کشورهای که دارودسته های مذهبی در چند دهه اخیر به قدرت رسیده اند، خشونت علیه زنان با پایمال کردن حقوق بدست آمده زنان و عقب راندن آنان از جامعه به خانه و خانه داری تشدید شده است. در بسیاری از کشورها از کتک زدن زنان تا اشکال دیگر خشونت عملاً بی مجازات می ماند و دست ساختارها و تفکرات کهن را برای خشونت علیه

بویژه نماینده آنها در منطقه (اسرائیل) بیدار نکند. تحریم های اخیر بین المللی و بستن شریان نفت و قطع در آمد دولت اجاره خور نفتی، جمهوری اسلامی را به دست و پا انداخته که مبدا نظام جهانی بخواد متحد دیگری غیر از آنها در ایران برگزینند... برای پاسخگویی به مخارج داخلی به آزاد سازی قیمت ها روی آورده و خود را همسوی نظام سلطه می کند. دستور نظام نتولیرالیسم، آزاد سازی قیمت ها، عدم تصدی گری دولت، مقررات زدایی، تعیین قیمت ها در بازار آزاد و رونق بازار است.

لذا این رژیم درمانده باید به مصادره بیشتر رو بیاورد، باید ظلم داخلی را بر اکثریت بیشتر نماید. باید از شعار تو خالی چهل ساله اش دست بردارد دیگر راه قدس از کربلا نخواهد گذشت. باید عراق و لبنان و سوریه و هلال شیعه و اتحاد واهی شیعی خود را رها نماید و همدست سرمایه داری جهانی هر چه بیشتر به تاراج مردم و کشور ایران پردازد تا بماند. باید خون بریزد و منویات و دکترین سرمایه داری نتولیرالیسم را پیاده نماید. این رژیم که حاکمانش به اصل تقیه و خدعه ی فقاقت و اجتهاد مجهزند، بوقلمون صفت رنگ عوض کرده در عین حال که در داخل و برای خوراک افکار عمومی شعار مرگ بر استثمار و استثمار می دهند خود نماینده استکبار و استثمار و دست در دست آنها همه اموال و منابع کشور را به تاراج برده و چوب حراج می زنند به قیمت نوکری و ماندگاری و ثبات بیشتر... با در خواست وام چند ده میلیارد دلاری از روسیه... با اجاره چند دهه ی جزایر به چین و فروش و واگذاری پالایشگا ها و بنادر به انگلیس و فرانسه و آلمان... به دنبال خریدن زمان و ماندگاری و همراهی با نظام بازار آزاد هستند.

قیام اخیر ایران از جنس قیام های عمومی در شیلی، فرانسه، لبنان و عراق است. قیام گرسنگان، بیکاران، حاشیه نشینان، کپرنشینان، کودکان کار، زنان و مردان رنج کشیده و کارگر، دختران تحت ستم، و در یک کلام قیام فرودستانی است که در جریان آزاد سازی قیمت ها در بازار و رشد سرمایه داری رانت خوار، فاسد و مصادره گر و ظلم حاکمان به تنگ آمده و بدنبال روزنه ای برای بروز خشم خود هستند.

اگرچه در مقابل با گلوله پاسخ گرفتند و بظاهر این قیام آرام گرفت، ولی قانون دینامیسم اجتماعی می گوید این آتشی است زیر خاکستر، لیدوی است اجتماعی که در زیر چماق زور و زر پس زده شد، ولی روزی و روزگاری به شکلی دیگر سر برخواهد آورد و مانند سیلی بنیان کن نظام اجتماعی فعلاً مستقر را ویران خواهد نمود.

آرمان روشن

دانشگاه های غرب وزیران اقتصاد و روسای بانک مرکزی و وزیر نفت جمهوری اسلامی شدند و با رهبری سیاسی ایدئولوژی ولایت فقیه و در سایه اصل تقیه و خدعه، خود را به ظاهر مخالف ولی در باطن همراه و هم قسم لابی های سرمایه داری جهانی نشان دادند و منابع ملی را به تاراج برده و اکثریت جامعه را به فقر و نداری کشاندند. این دولت ها ملتزم بودند تا روالی را فراهم آورند که سرمایه داری جهانی بهتر بتواند حمل و نقل داشته باشد، بهتر بتواند واردات کالاهای خود را به جامعه ایران برساند، بهتر بتواند شیوه زندگی مردم را تغییر دهد، بهتر بتواند تولیدات سنتی آنها را از دور خارج نموده و جمعیت هشتاد میلیونی را زیر یوغ مصرف خود در آورد و به چپاول کشور ادامه دهد. کدام کارگزار و کدام عامل و متحد سرمایه داری بهتر از حکام رژیم منحوس جمهوری اسلامی به سرمایه داری جهانی سواری می داد که در این چهل سال دادند.

جامعه به جان آمده شورسگر امروز و دیروز و سال های اخیر، اکثریت جوان، بیکار و فرودست مستقر در شهرهای کوچک و شهرکهای اقماری شهر های بزرگ که لشگر بیکار و ذخیره سرمایه داری بازار مستقر در جامعه ایران است. سربازانی هستند که در نظام دلال و رانتی جمهوری اسلامی به بازی گرفته نشده اند. جامعه از تولید سنتی خود دور شده، از هویت قدیم اش تهی شده و اکثریت روستا نشینان با کالایی شدن زمین و کوهپایه ها و محیط زیست که به مصادره اقلیت رانت خوار در آمده به شهرها کوچ کرده اند. فرزندان خود را به سواد و درس هدایت کرده اند تا مثل خود و پدرانشان نباشند و شاید بتوانند در بازار خدمات بکار آیند یا در صنعت مونتاژ جایی برای امرار معاش داشته باشند، که هیئات آنهم به مصادره مالکان سرمایه و ژن های خوب!! در آمده است.

ماهیت سرمایه انباشت و انباشت و هر چه بیشتر انباشت است. چه سرمایه داری تولیدی و چه سرمایه داری مستغلات و دلالی (نفتی و معدنی و مشتقات و میعانات گازی) و بازار و بانکداری... ماهیت سرمایه استثمار و مصادره و خلع ید اکثریت به نفع اقلیت است. قانون و دولت و دادگستری و رسانه و... همه و همه نیز به کمک این اقلیت می آید برای حفظ بهره و سود مالکانه. سرمایه داری جهانی بنا به ماهیت در حال تکاملش در هر دوره کارگزاران و عاملان همراه خود را در کشور های جنوب و کمتر توسعه یافته می طلبد. این جزو دکترین ویژه باشگاه سرمایه داری است. امروز با تحریم و بلوکه کردن مبادلات جمهوری اسلامی از او می خواهند که نوکری مطیع و همراه باشد و چوب لای چرخ منافع سرمایه داری در منطقه نگذارد. عراق را بحال خودش بگذارد و در لبنان و سوریه پول نفت تزریق نکند و بنیاد گرایی اسلامی را بر علیه منافع جهان سرمایه داری و



زنان باز هم بیشتر باز می گذارد.

بدون متشکل شدن زنان، بدون دفاع از خواسته های محفانه زنان و بالاخره بدون برپایی جامعه ای که بر سر در جامعه نوشته شده باشد حقوق برابر زن و مرد در کلیه عرصه های اجتماعی و فردی، امکان محو خشونت علیه زنان وجود ندارد. در این مبارزه، زنان و مردان ستمدیده و استثمارشده و روشنفکران انقلابی متحد استراتژیک زنان برای مبارزه علیه خشونت و مردسالاری جامعه می باشند.

ع.غ

## شانزده آذر: ما فرزند کارگریم

کنندگان آبان، با فرو دستان و کارگران با تاکید این که فرزندان کارگریم، با خط کشی روشن با طرفداران رژیم پهلوی و مجاهدین اسلامی پرو آمریکایی متحد راست ترین جناح های ارتجاعی سرمایه جهانی، بدیل سیاسی روشن جنبش تاریخی طبقه کارگر ایران را در برابر بدیل های بورژوازی و خرده بورژوازی مطرح کرده است.

خیزش سیاسی شانزده آذر نود هشت ادامه جنبش بزرگ تاریخی آبان ماه است که به رژیم جنایتکار سرکوبگر و جهانیان اعلام کند که راه پیمایی تاریخی مردم ایران برای آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی همچنان پر قدرت تر و آگاه تر، زنده و پویا در راه است. هیچ نیرویی دیگر نمی تواند از پیشرویش جلو گیرد.

حزب رنجبران ایران استوار در کنار جنبش تاریخی دانشجویی ایران ایستاده، با تمام نیرو از مشی سیاسی آن که مبارزه با رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی و مرز بندی با نیروهای راست پرو امپریالیستی است پشتیبانی میکند. این مشی عمومی و این پرچم کارگران و روشنفکران مشی ای است که می تواند وسیع ترین توده های عظیم مردم را در مبارزه برای براندازی انقلابی رژیم حاکم کنونی متشکل و همراه کند و پیروزی بدست آورد.

بر افراشته تر باد پرچم جنبش خونین شانزدهم آذر

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی زنده باد سوسیالیسم

حزب رنجبران ایران

آذر ماه هزار سیصد و نود و هشت



## فراخوان نهادهای داخل

مردم مبارز؛ کارگران، معلمان، بازنشستگان، زنان، دانشجویان، جوانان و انسانهای آزادیخواه!

خیزش قدرتمند توده ای آبان ۹۸ علیه چهل سال تحمیل فقر، گرانی و سرکوب، توسط حاکمان سرکوبگر بیرحمانه به خون کشیده شد و صدها تن از جمله تعداد کثیری جوان و نوجوان، هدف مستقیم گلوله ماموران انتظامی، امنیتی، گارد ویژه، پاسداران، بسیج و ارتش قرار گرفته و جان خود را از دست دادند.

حفاظت امنیت قدرت و ثروت، محلات فقیر نشین و حاشیه ای اکثر شهرها که محل تجمعات و تظاهرات های مردم و جوانان بودند را مورد حمله قرار داده و تعداد بسیار زیادی مجروح و بیش از ۷ هزار نفر را بازداشت و روانه بازداشتگاه های مخوف وزارت اطلاعات و سپاه کردند.

هدف اصلی این یورش و کشتار وحشیانه آن بود که با ایجاد فضای حکومت نظامی جامعه معترض را وادار به خاموشی نماید اما این گونه نشد! نه تنها اعتراضات و مبارزات مردم خاموش نشد، بلکه صدا ها رساتر، فریادها بلند تر و جامعه خشمگین تر در حال ترمیم این زخم عمیق برای فرصتی دیگر است.

در شرایط کنونی صدها خانواده و هزاران نفر از بستگان کشته شدگان داغدارند و همدردی با این بازماندگان بخشی از برنامه ما برای حفظ جنبش مطالباتی و تداوم راه آنهاست.

پدر پویا بختیاری، یکی از جانبختگان آبان ۹۸، در همین راستا روز ۵ دی ۹۸ را که مصادف با چهلمین روز جانباختن پویاهاست، برای این هدف اعلام کرده است.

این روز را به گرامیداشتی باشکوه برای همه کشته شدگان این کشتار تبدیل کنیم.

در راستای فراخوان پدر پویا بختیاری، تشکلهای فعالین امضاء کننده این فراخوان از همه مردم می خواهند که ضمن شرکت وسیع در مراسم خانواده های جانبختگان، روز ۵ دی ۹۸ در همه مکان های به قتل رسیدن کشته شدگان، در همه محلات، بر سنگفرش های خیابانها و میداين، در کارخانه ها و مراکز کارگری، مدارس و دانشگاهها با نصب پوسترها و عکسهای کشته شدگان و روشن نمودن شمع و نثار شاخه های گل، ضمن همدلی با خانواده های رنج دیده یاد همه جانبختگان آبان ۹۸ را گرامی بداریم و با ایجاد همبستگی بر تداوم راه آنان تا رسیدن به اهداف انسانیشان پیمانی مستمر و مستحکم ببندیم.

تشکلهای:

۱- انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه

۲- تشکل برای کودکان

۳- سندیکای نقاشان البرز

۴- شورای بازنشستگان ایران

۵- اتحاد بازنشستگان ایران

۶- گروه ۱۹ اسفند

۷- پایپینگ و اکیپ پروژه ای آذربایجان

۸- کانون صنفی A معلمان خوزستان

۹- کانون صنفی B معلمان خوزستان

۱۰- کانون صنفی C معلمان خوزستان  
فعالین:

۱- جمعی از فعالین لغو کار کودکان

۲- علی نجاتی

۳- سپیده قلیان

۴- بخشی از فعالین زنان

۵- بخشی از معلمان تهران و کرج

## بیانیه جمعی از زندانیان سیاسی

از روز شنبه ۲۵ آبان که گروه گروه جوانان و نوجوانان از دختر و پسر را با کامیون به بند ۸ می آوردند زندانیان عادی و پرسنل زندان هم از سبوعیت و وحشیگری با دستگیرشدگان به وحشت افتاده بودند. دستگیرشدگان را با کامیون به محوطه بند ۸ (که معروف به بند اطلاعات و سپاه است و اساسا زندانی است مستقل در داخل زندان گوهردشت) می آوردند و با شلاق و باتوم و مشت و لگد به جان آنها می افتادند در حالیکه چشم بسته و دستبند زده بودند... زخمی و غیر زخمی هم تفاوتی نداشت. این تنها شمه ای از رفتار و استقبال آنها، برای ورود بازداشت شدگان به زندان است... بازداشت شدگانی که حتی بقول خودشان تنها معترض وضعیت معیشتی خویش بوده اند ولی حال به اسم اشرار و نفوذی و اجیرشده به شلاق و شکنجه و اعتراف اجباری کشیده می شوند، به بهانه امنیت! و معلوم نیست امنیت چه کسی؟! امنیت نظام یا امنیت مردم؟ زیرا حاکمان این درس را از پدر عقیدتی خویش ماکیاولی بخوبی آموخته اند که "وقتی امنیت مطرح است هیچ ملاحظه ای که عدالت - بی عدالتی، انسانیت - بی رحمی، سرفرازی - سر شکستگی و امثالهم در آن نقش داشته باشند مطلقا نباید در نظر گرفته شود."

ما زندانیان سیاسی زندان گوهردشت کرج ضمن محکوم کردن این وحشیگری ها و رفتارهای ضد انسانی با دستگیرشدگان، و آرزوی صبر و پایداری برای همه خانواده های داغدار، حمایت قطعی خود را از اعتراضات و قیام عادلانه مردم و جوانان با غیرت میهنان اعلام می داریم و از کلیه مجامع و نهادهای بین المللی و حقوق بشری خواستار محکوم کردن این اعمال جنایت کارانه و تشکیل گروههای تحقیق و حقیقت یاب هستیم، چرا که حکومت بعد از کشتار مردم در خیابانها، برای مرعوب کردن، دست به کشتار بازداشت شدگان هم خواهد زد و آن را مستند به اعترافات اجباری تلویزیونی خواهد کرد (خصوصا که اغلب بازداشت شدگان نوجوان و جوان هستند) این در حالی است که حکومت برای مردم به جان آمده از این همه ظلم و تعدی و فساد، راه دیگری را برای مطالبه حقوقشان باقی نگذاشته و این اولیه ترین حق آنها (یعنی حق اعتراض) را هم این گونه وحشیانه پاسخ می دهد تا آنجا که حتی نمایندگان دست نشاندۀ و منصوب حکومتی هم به آن اعتراف دارند! طی این اعتراضات و قیام شجاعانه جوانان میهنان بار دیگر اصلاح ناپذیری این نظام بر همه عیان



می‌شود، خود به پراکندگی می‌رود و تضادهای درونش با سرعت شدت می‌یابد و کل حاکمیت سرمایه‌داری منززل می‌شود. آن‌ها با وجود این که می‌توانند جنبش‌های وسیع را پراکنده کنند ولی خود نیر به پراکندگی می‌روند. مبارزات مردم با انگیزه گران شدن بنزین در آب‌انمان نمونه برجسته‌ایست از ابعاد جنایت حاکمین توسط نیروهای مسلح‌اش، به ویژه نیروهای سپاه پاسداران. اکثر قربانیان آب‌انمان به وسیله شلیک گلوله از نزدیک به صورت و سینه جان داده‌اند. و در عین حال پراکندگی موردی نیروهای سپاه، تشدید تضادهای حاکمین تا به آن جا بود که طراحان گران شدن بنزین جرئت نکرده بودند این مسأله را حتی با بخشی از نمایندگان مجلس اسلامی خودشان در میان نهند. هر ارگانی این تصمیم را گردن دیگری می‌انداخت. در عین حال با تشدید تضادهای مادون و مافوق، سربازانی به کشتار فرماندهان خود دست می‌زدند.

بهرنگ

### اصول شورای مستقل همبستگی با جنبش های اجتماعی در ایران

با درود و افتخار به زنان و مردان جان به لب رسیده ایران که برای احقاق حقوق انسانی خود و مقابله با سرکوب وحشیانه استبداد حاکم، تا پای مرگ به پا خاسته اند و با گرمی داشت یاد و جانبازی انسان هایی که قهرمانانه جنگیدند و جان عزیز خود را در این خیزش توده ای از دست دادند. ما جمعی از نیروهای مدافع جنبش های اجتماعی در ایران - خارج کشور که مدتی است در تلاش برای ایجاد تشکیلی فراگیر هستیم، برای همبستگی و دفاع از این جنبش، و به این مناسبت، زودتر از موعد با بیانیه زیرین اعلام موجودیت کرده و در کنار شما می ایستیم و بسیار خرسندیم که آغاز فعالیت ما همزمان با چنین جنبش عظیمی است، تا بتوانیم به سهم خود در انتشار گسترده اخبار و گزارشات مبارزات شما دلاوران پرداخته و با برگزاری اکسیون های اعتراضی برای جلب حمایت های بین المللی بکوشیم و پژواک فریادهای حق طلبانه شما باشیم.

زنده باد رزم دلاورانه تان! پیروز باد مبارزات گسترده مردمی تا سرنگونی رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی!!!  
متن بیانیه:

به کارگران و زحمتکشان ایران و افکار عمومی جهان! رژیم جمهوری اسلامی برای اکثریت مردم ایران حاصلی جز فقر، استثمار، بی حقوقی، تبعیض و سرکوب نداشته و ندارد. مبارزات جاری مردم بیانگر این واقعیت عینی است که آنان از شرایط فلاکت بار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی موجود به ستوه آمده و خواهان تغییر آند. آنگاه که قدرت سیاسی سرمایه داری حاکم در برابر خواست و مطالبات کارگران، زحمتکشان و منافع اکثریت جامعه قرار میگیرد، زمینه های عینی یک انقلاب اجتماعی برای سرنگونی چنین نظامی فراهم می شود.

ما از مبارزات آزادی خواهانه و برابری طلبانه مردم که بطور گسترده و به اشکال گوناگون در ایران علیه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی جریان دارد، پشتیبانی و در

فرماندهی و هماهنگی ستاد مشترک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قرار دارند.

سپاه پاسداران سازمانی است نظامی - اقتصادی و یکی از بزرگترین های کنسرن های اقتصادی خاور میانه که نزدیک به ۸۰ درصد اقتصاد کشور را زیر کنترل خود دارد. لذا از امکانات بسیار گسترده تری نسبت به کلیه نیروهای مسلح کشور و حتی نیروهای مسلح کشورهای مختلف غربی در کشور خود، برخوردار است. این سازمان آدمکشی و جنایت دارای دو نوع پرسنل است: کادرهای دائم و نیروهای قراردادی و بسیجی. کادرهای دائمی و قراردادی عملیاتی سپاه در دوره های طولانی؛ بی رحمی، آدمکشی، غارت و خرابکاری مستمر را می آموزند. این نیروی ویرانگر است که به جان مردم معترض و غیر معترض میافتد. ارتش و پلیس نیز ابزارهای سرکوب هستند و در عملیات خیابانی وسیعاً شرکت می کنند ولی سربازانی که از طبقات زحمتکش و خرده بورژوازی هستند و دوره سربازی خود را میگذرانند به سختی می توانند دست به کشتار هم طبقه ای های خود بزنند. ولی کادرهای ثابت نظامی سپاه از هیچ جنایتی علیه هم وطنان خود ابائی ندارند. به ویژه پرسنل قراردادی برای دائمی شدن و نشان دادن لیاقت خود به فرماندهانشان از هیچ قساوت و جنایتی نسبت به مردم معترض، ابائی ندارند. افراد این نیرو در ابتدا دوره آموزش جنایت را در کشورهای به مانند سوریه، لبنان، عراق و یا افغانستان می بینند و با کشتار مردم خود آن آموزه ها را تکمیل می کنند. پرسنل نظامی ثابت و قراردادی سپاه، پرسنل مزدور است. به او فهمانده اند که کشتار، جنایت و ویرانگری بیشتر یعنی دریافت پول بیشتر و تشویقی بیشتر.

نیروهای ضربت سپاه دو نوع هستند. ۱- نیروهای رسمی ۲- لباس شخصی. نیروهای رسمی برای ترساندن و عقب راندن مردم و در صورت لزوم شلیک گلوله و کشتار مردم به خیابان می آیند ولی لباس شخصی ها هدفمند برای کشتار می آیند؛ با هفت تیر، قمه، دشنه و یا کارد پنهان شده. لذا مبارزه علیه آن ها هوشیاری و دقت بالا و در عین حال سازماندهی ویژه ای را میطلبد. در زیر ساخت سپاه پاسداران علاوه بر سازمان حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که مستقیماً زیر نظر ولایت فقیه اداره می شود، سازمان های اطلاعاتی دیگر که در فوق ذکر گردید، سعی در کنترل کل جامعه به لحاظ ایدئولوژیک - سیاسی - تشکیلاتی دارند.

کل مجموعه سپاه در تظاهرات خیابانی وارد عملیات می شود. تا وقتی جنبش های توده ای کوچک و پراکنده هستند، این مجموعه برش دارد و می تواند عملیات تا اندازه ای موفقیت آمیز را جلو ببرد ولی تجربه این ۴۰ سال حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی نشان داده است که در شورش های وسیع اجتماعی و اعتراضات میلیونی مردم در خیابان ها، این سازمان ظاهراً خوفناک، برش ندارد، وامانده

شد، که حتی کوچکترین تجمع و اعتراض معیشتی را هم چه اصلاح طلب و چه اصولگرا با گلوله پاسخ می دهند و با نعل وارونه مردم را خشونت طلب، اشرار و یاغی می خوانند و بعد می گویند "مردم خودشان همدیگر را می کشند!" بعد هم همدستان مرئی و نامرئی آنها در داخل و خارج کشور یعنی آن " خود فرزانه دانانی" که دائماً به تندر قیام های مردمی پارس جنبش اصلاحی و جنبش مدنی و شرکت در انتخابات و... را می کنند هم به کمک نظام آمده و این جنایات را تئوریزه و توجیه می کنند، ولی غافل از آنکه قیام آزادیخواهانه و عدالت طلبانه مردم میهنمان فضای بی هزیبگی و مفت خوری را بر همه دودوزه بازان و وارفتگان سیاسی یکسره بسته است اگر چه با هزینه بسیار سنگین صدها شهید و زخمی و بیش از چندین هزار دستگیری، و در سطحی دیگر این واقعیت را به اثبات رساند که همانگونه که لبنان و عراق، سوریه نشدند و نمیشوند، ایران هم سوریه نمیشود چون آنکه سوریه را سوریه کرد اکنون در اوج ورشکستگی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی با اندک توان باقیمانده اش یعنی زور، سرکوب و اسلحه، مستاصل، مشغول کشتار جوانان ایران است ولو اینکه چندین هزار را هم بکشد. این سوریه ای شدن نیست... سرنگون می شود ولی سوریه نمی شود.

محمد بنزاده امیرخیزی

محمد علی منصوری

سعید ماسوری

حسن صادقی

مجید اسدی

آرش صادقی

پیام شکبیا

### نیروی های سرکوب آب‌انمان

رژیم جمهوری اسلامی در طول ۴۰ سال به عنوان ابزار حاکمیت سرمایه‌داری، ایران را به قتلگاه بزرگ توده‌های کارگر، زحمتکش و آزادیخواه تبدیل نموده است. مهمترین ابزار سرکوب توده‌ها، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است که در سال ۱۳۵۹ با فرمان خمینی ابتدا به صورت شورای فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ظاهر شد و سپس سازمان سپاه از درآمیختن نیروهای مسلح سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، گارد دانشگاه و گارد انقلاب، به وجود آمد.

سپاه پاسداران که شاخه‌های زیر را در خود دارد: ۱- سازمان حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که مستقل از فرماندهی کل سپاه بوده و مستقیماً تحت نظر ولایت فقیه اداره میشود. ۲- سازمان اطلاعات سپاه ۳- سازمان بسیج مستضعفین ۴- سازمان عقیدتی سیاسی، در پنج شاخه زمینی، دریایی، هوا فضا و نیروی قدس و بسیج مستضعفان تقسیم شده‌اند که تحت



راستای حمایت از جنبش کارگری و سایر جنبش های اجتماعی و بازتاب مبارزات آنان در سطح بین المللی تلاش می کنیم.

در مقابل سیاست ها و مداخلات رژیم جمهوری اسلامی در خاور میانه و نیز در رویارویی با هر گونه دخالت قدرت های امپریالیستی در ایران باید ایستاد. مسئله تعیین تکلیف با رژیم اسلامی در ایران امر خود مردم است و پشتیبان واقعی آنان در عرصه بین المللی طبقه کارگر، تشکل های سوسیالیستی و نیروهای مترقی، آزادی خواه و مدافع حقوق انسان ها هستند.

ما، به عنوان بخشی از نیروهای چپ و آزادی خواه در خارج از کشور، بر مبنای توافقات مشترک و متکی بر جنبش های اجتماعی در ایران، برای تحقق خواست های مردم و ضروری اکثریت مردم فعالیت می کنیم. آگاهیم که تحقق این خواست ها امر خود مردم و قدرت بی کران آن هاست. تحقق مطالبات اجتماعی در ایران در چارچوب رژیم جمهوری اسلامی ناممکن است. سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی پیش شرط رهایی مردم از کلیت این نظام است.

ایجاد فرصت های برابر برای دسترسی همگان به بیمه رایگان اجتماعی، بهداشت و درمان، آموزش و فرهنگ، تامین مسکن، بازنشستگی و اشتغال، تامین معیشت همگانی، جدایی دین در تمامی شئونات سیاسی، اداری، قضایی، آموزشی و اجرائی، رفع انواع تبعیض ها، از جمله تبعیض جنسیتی، نژادی، ملی و مذهبی، تحقق آزادی های بی قید و شرط بیان و عقیده، آزادی پوشش، آزادی تشکل، تجمع و اعتصاب، ممنوعیت کار کودکان و حمایت از آنان، برابری کامل زنان و مردان در تمامی شئونات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، لغو هرگونه شکنجه و اعدام و برچیدن بساط زندان سیاسی و عقیدتی، این اهداف، حفاظت از محیط زیست، مخالفت با جنگ و هرگونه تجاوز امپریالیستی و تامین صلح می تواند نخستین گام برای دخالت شهروندان در تحقق اداره شورایی جامعه باشد.

تعیین نوع حاکمیت سیاسی بعد از سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی جزء حقوق پایه ای و اساسی مردم ایران است. بر این باوریم که اداره شورایی در جهت الغای مالکیت خصوصی بر ابزار تولید و رفع استثمار و بهره کشی می تواند جامعه را به سوی سعادت، پیشرفت و در راستای خدمت به آحاد مردم سوق دهد. از این رو، تحقق اهداف ما در جریان فعالیت مبارزاتی متشکلمان در چنین مسیری ممکن است.

فراخوان ما:

ضروری است که ما ایرانیان خارج از کشور که نیروی عظیمی را تشکیل می دهیم، برای یاری، حمایت و بالندگی مبارزات برحق مردم در ایران، متشکل و متحد شویم و با حفظ نظرات و ایده های خود به گونه ای فردی و با حق برابر در تصمیم گیری های جمعی، نیروی وسیعی را علیه نظام استبدادی حاکم ایجاد کنیم. همگان را به حضور فعال و یاری رساندن به مبارزات

بر حق مردم در ایران فرا می خوانیم!

شورای مستقل همبستگی با جنبشهای اجتماعی در ایران

iransolidarity@gmx.at

۱۳۹۸ آبان ماه  
۲۰۱۹ نوامبر

## پاسخ چه باید کرد ما چیست؟

آیا همان پاسخی می تواند باشد که نئین در سال ۱۹۰۲ یعنی ۱۱۷ سال پیش در مقاله معروف خود بنام "چه باید کرد" داد؟ آنجا روسیه تزاری، کشوری بس متفاوت نه تنها از ایران امروز بلکه از ایران آنروز بود. در نتیجه پاسخ منفی است. اما یک اصل اساسی مشترک وجود دارد و آنهم وجود طبقات، مبارزه طبقاتی بعنوان نیروی محرکه جامعه است که همچنان ادامه دارد و طبقات حاکم ستمگر و سرکوبگر که توده های وسیع مردم هر دو کشور را در پنجه های چرک آلود خود می فشردند.

آیا پاسخ میتواند همان باشد که صد سال پیش هنگامی که کارگران پیشرو و کمونیستهای ایران در انزلی جمع شدند و حزب کمونیست ایران را بنا نهادند، باشد؟ طبعن پاسخ اینجا هم منفی است چون در آنزمان ایران کشوری نیمه مستعمره - نیمه فئودال بود و مثل امروز سرمایه داری و با بیش از بیست میلیون کارگر نبود. شرکت کنندگان کنگره حزب اکثر کارگر های آگاه که تجربه شرکت در انقلاب اکتبر را پشت سر خود داشتند، شاهد پیروزی ارتش سرخ در جنگ داخلی علیه نیروهای مسلح چهارده کشور تجاوزگر بودند. مهمتر اینکه حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی به رهبری نئین و انترناسیونال سوم با تمام قامت در کلیه زمینه ها حامی و یاورشان بودند. جامعه ما امروز صد سال مبارزه ی پر دامنه ای را در کلیه زمینه ها از اقتصاد گرفته تا سیاسی و دینی و مذهبی پشت سر گذاشته است. انقلابات و کودتا و شورش هایی را از سر گذرانده است. با انواع امپریالیستها دست و پنجه نرم کرده و جنگ های داخلی و خارجی را تجربه کرده است. سرمایه داری اش با اینکه در جرگه سرمایه داری جهانی با پوشش نئولبرالیستی قرار دارد، اما ناموزون و با ویژگی های خود تکامل یافته است. برجسته تر اینکه دارای یک حکومت دیکتاتوری مطلق مذهبی است که تلاش دارد الگویی از خلیفه گری حجازی هزار چهارصد سال پیش را ابدیت بخشد. اما در اینجا هم مبارزه طبقاتی همچنان ادامه یافته، حاکمیت همچنان ستمگر و سرکوبگر باقی مانده است.

پس تا اینجا دو نکته برای پاسخ به این پرسش روشن شد. یکی نکات مشترک است و دیگری نکات متفاوت و مختلف که نکات مشترک رهنمود عامند و نکات مورد اختلاف در مقوله تضاد خاص میگنجد که باید شرایط مشخص هر جامعه مورد بررسی قرار گیرد و اوضاع تغییر یافته به حساب آید. اوضاع با آن زمان چه در سطح جهانی و چه در سطح منطقه و مهمتر در سطح کشوری بسیار تغییر کرده است. باید این اوضاع تغییر یافته را کاملن به حساب آورد. کافی نیست که در سطح نقاط مشترک و اصول عام بمانیم، برای پاسخ به این پرسش نکته اساسی که باید مورد بررسی قرار گیرد تنها خصلت عام یا نکات مشترک انقلابات

نیست بلکه خاص بودن تضاد ویژگی های آنست. در اولین مرور تئوری عام و آموزش از تجارب پرولتاریای جهانی به این نتیجه می رسیم که طبقه کارگر احتیاج به یک حزب پیشرو مسلح به تئوری انقلابی دارد، علاوه بر این احتیاج به تشکیلات متحد و سراسری کارگران و زحمتکشان دارد و همچنین برای بسیج و متشکل کردن توده های عظیم مردم احتیاج به اتحاد بزرگتری داریم. این نتیجه گیری عامی است که کمونیست های ایران در برنامه های خود جا داده اند و در این صد سال گذشته در جهت هر سه زمینه تلاش کرده اند. به شکرانه ی این فعالیت ها تجارب گرانبهایی هم انباشته شده است که باید به درستی جمعبندی کرد و در پاسخ به پرسش با لا بکار برد.

بگذارید قدم به قدم برای پاسخ نهایی جلو رویم

یکم

از تئوری عام حرکت می کنیم و اصول آنرا بعنوان چراغ راهنما در جستجوی پاسخ قرار می دهیم. کمونیسم و مارکسیسم بیش از صد سال است به ایران راه یافته است. حزب کمونیست ایران ۹۸ سال پیش بوجود آمد و در اتحادی با نیروهای آزادیخواه گیلان معروف به جنگلی ها موفق شد. "جمهوری شوروی گیلان" را بنیان گذارد. این یک واقعه تاریخی است که پس از انقلاب مشر و طیت و هنگامی که بورژوازی ایران با کمک امپریالیزم انگلیس با کودتای سید ضیا و رضا میر پنج افسر قشون قزاق قدرت را بدست گرفتند کمونیست ها با ایجاد حزب یکی شده خود و با سازماندهی سندیکا های کارگری و ایجاد شوروی گیلان در عمل به یک بدیل آشکار طبقه کارگر تبدیل می شود و لرزه به اندام دشمنان نش می اندازد. از این لرزه ها در این صد ساله چندین بار رخ داده است و هر بار بر اثر اشتباه خط مشی ای و عدم تدارک جبهه انقلاب و کارگری، باعث کشتار کمونیستها بدست نمایندگان طبقه برخاسته از سرمایه داری که ذهنیت متافیزیکی برای ایجاد یک شاهنشاهی دو هزار و پانصد ساله و یک خلیفه گری هزار چهارصد ساله را در سر پرورانده، شده است. بر ماست که به درستی این تجارب خونین را به درستی جمعبندی کنیم و در پاسخ به چه باید کرد امروزی بکار گیریم.

دو

تضاد را هیچگاه در شکل عامش نمی توان شناخت، تنها در شکل خاص و مادی آنست که قابل فهم و بررسی است. تئوری عام هم در بکاربردش توسط انسان ها، در مبارزه انقلابی و آزمون های علمی است که درستی و نادرستی آنها روشن می شود. امروزه ما در ایران چندین حزب و سازمان چپ و کمونیستی داریم، علاوه بر این منفردین بسیاری هستند که خود را مارکسیست می دانند. خود طبقه کارگر بعنوان یک طبقه در صحنه مبارزه بطور فعال شرکت دارد. جنبش های توده ای از معلمان گرفته تا دانشجویان و زنان و بازنشستگان رو به این طبقه دارند و سندیکا ها و تشکلات





گوئیم برای براندازی رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی و جای گزینی آن با یک نظام اجتماعی نوین که مالکیت بر و سایل تولید جمعی است، باید وسیع ترین توده های مردم را بسیج و متشکل کرد تا بتوان با اتکاء به آنها و تنها بدست آنها انقلاب را به پیروزی رساند و آنرا حفظ کرد. این خط مشی عمومی با دخالت امپریالیستها مخالف است و دست همبستگی را بسوی کارگران و کلیه نیروهای آزادیخواه جهان دراز می کند. باید برای یکی شدن کمونیستها در حزبی واحد مبارزه کرد، باید برای متشکل کردن کارگران در شوراهای کارگری و دیگر اشکال مبارزه مستقل کارگری مبارزه کرد، باید برای بسیج و متشکل کردن کلیه جنبش های اجتماعی ایران جنبش بیکاران، زنان، دانشجویان، معلمان، محیط زیستیان و ده ها جمع های کوچک دیگر کارکرد. تنها در چنین صورتی است که می توان از شکست جنبش های میلیونی توده ای چند سال گذشته جلوگیری کرد و تحت مشی درست سیاسی طبقاتی پیروزی بدست آورد.



## منصور حکمت و حزب سازی ۱

آمده و کمونیسم در عمق جنبش کارگری نفوذی پایدار و پا برجا یافته است... کمونیسم دیگر پدیده نو ظهوری برای جنبش طبقاتی نیست بلکه امروز دیگر به یک جزء لاینفک آن و به یک گرایش عملی در صفوف آن بدل شده است... امروز شعار «برابری، برادری، حکومت کارگری» به همان اندازه شعار «اتحادیه قدرت ماست» از یک خصلت «خود بخودی» در میان کارگران برخوردار است...» (تأکید از ماست)

نگاهی به درون طبقه کارگر و جنبش آن در ایران، عراق، ترکیه و... نشان میدهد که جنبش کمونیستی در قلمرو این قدرت های سیاسی وجود دارد ولی هنوز در درون طبقه حضور ندارد و یا خیلی کم حضور دارد.

درد بزرگ جنبش کمونیستی ایران جدائی آن از طبقه کارگر است و این جنبش ده ها سال است که از این جدائی رنج می برد. آیا جنبش کمونیستی نباید با تمام نیرو و انرژی تلاش کند تا با طبقه کارگر و جنبش کارگری پیوند بخورد. آیا این ضرورت احساس نمی شود. منصور حکمت می گوید «نبايد هر روز از نو پیوند بخورد». این به چه معنی است؟ این بدان معنی است که در روزی روزگاری حزب کمونیست ایران در زمان رضا شاه توانست در لحظه ی تاریخی کوتاهی در درون جنبش کارگری ایران نفوذ کند و با بخش هایی از آن پیوند بخورد. در سطح بین المللی نیز حزب کمونیست شوروی و چین توانستند با طبقه کارگر روسیه و چین پیوند محکم برقرار کنند. از نظر منصور حکمت این برای ما کافی است. پیوند انجام شده، دیگر لازم نیست. چون «نبايد هر روز

است. این تیدگی مالی و اقتصادی سرمایه جهانی با سرمایه دولتی و خصوصی ایران ویژگی خاصی را به سیاست در جامعه میدهد که طبقه کارگر مجبور است با دقت آنرا در نظر بگیرد. سومین ویژگی طولانی بودن آنست که خود ناشی از دو ویژگی با لاست یعنی سخت بودن و بغرنج بودن انقلاب خصلت طولانی شدن را به آن داده و هنوز هم خواهد داد.

حزب رنجبران ایران و سازمان انقلابی حزب توده ایران که از اوایل دهه ی چهل یعنی نزدیک به شصت سال است متشکل در اشکال مختلف مبارزات طبقاتی و توده ای شرکت کرده است مبرا از این انحرافات و اشتباهات نبوده است ولی هر بار توانسته با بکاربرد شیوه انتقاد و انتقاد از خود و جمع بندی دائمی از عملکرد هایش در زمینه ها ئی که دچار اشتباه شده است به نوسازی خود پردازد و به مبارزه برای انقلاب کردن ادامه دهد. حزب کلیه اسناد این انحرافات و تصحیح آنها را همیشه در اختیار جنبش گذارده است. حزب رنجبران ایران در این موضع ماتریالیستی قرار دارد که در جهان هیچ راه راست و مستقیمی برای انقلاب کردن نبوده و نیست و نخواهد بود. دشمنان طبقاتی کارگران سرسخت و دارای نیروی مسلح هستند و در مورد ایران سنگدل، جنایتکار و بیرحمند همچون سیاست مغولان می کشند، می سوزانند و نابود می کنند. در نتیجه هر گونه توهومات را باید نسبت به طبقات واقشار حاکم بدور ریخت و برای یک مبارزه طولانی، سخت و بغرنج و بیچا پیچ خود را سازمان داد. تجربه ی این صد سال مبارزه آگاه طبقه کارگر و احزاب و سازمان های چپ نشان می دهد در آخرین تحلیل درستی و نادرستی یا شکست و پیروزی یک تشکیلات سیاسی را خط مشی سیاسی آنست که تعیین می کند. مشی عمومی درست یک حزب هر چقدر هم کوچک باشد چنانچه درست باشد تدریجاً در مبارزه رشد می کند چون کارگران و توده ها در عمل می بیند که خط مشی برای آنها پیروزی ببار می آورد در نتیجه از آن پشتیبانی می کنند. شکست حزب کمونیست ایران در دوره رضاشاه و یا حزب توده ایران در دوره محمد رضا شاه و سازمان انقلابی حزب توده و دیگر تشکلات چپ در دوران شاه و خمینی همه و همه چون نیک بنگریم می بینیم که مسئله خط مشی درست و نادرست نقش تعیین کننده ای داشته است. برای بدست آوردن یک خط مشی درست سیاسی اغلب احزاب و سازمان های چپ یک روندی را طی کرده اند. دشمنان آنها هم چه از درون و چه از بیرون مشغول بوده و هستند تا چنین خطی بدست نیاید. اما جنبش کمونیستی ایران به شکرانه صد سال مبارزه ایدئولوژیک درون خود توانسته به معیار های اساسی و شرایط چگونگی رسیدن به خط مشی درست تا اندازه ای دست یابد. ما از تجارب خوب و بد درس گرفته ایم. بنابراین در پاسخ به پرسش چه باید کرد ما می

مستقل کارگری هر روز بیشتر در مبارزات جاری نقش به عهده می گیرند و بار دیگر به صورت بدیل سیاسی در برابر بدیل های دیگر شناخته می شوند. اگر در پاسخ به پرسش چه باید کرد قدم اول داشتن تئوری عام را بعنوان چراغ راهنما قبول داریم، اگر طی صد سال پراتیک آگاهانه طبقه کارگر ایران را برای براندازی نظام های ارتجاعی و سرمایه داری بعنوان قدم دوم و تلفیق تئوری با شرایط مشخص در نظر بگیریم در قدم سوم با توجه به آنها و در ادامه بکاربردشان باید تلاش کنیم به پرسش بالا پاسخ گوئیم. یکی از مهمترین جمع بندی های جنبش کمونیستی در این صد سال گذشته اینست که انقلاب ایران نه با موتور کوچک به ثمر رسید و نه با برخورد دوگانه به بورژوازی ملی. هردوی این انحرافات که الگو برداری از انقلابات کوبا و چین بود خسارات جدی به جنبش چپ و کارگری وارد آورد. راه فرمیستی و رویزیونیستی حزب توده ایران هم به خیانت یک پارچه رهبری کیانوری در دفاع از جمهوری اسلامی کشانده شد که هنوز جنبش چپ مکافات آنرا باید پس بدهد. تمام این تجارب نشان می دهد که رهبران این احزاب و سازمان ها نتوانستند به ویژگی انقلاب ایران به درستی پی ببرند. بدون شناخت از این ویژگی ها و در نظر داشتن آنها در استراتژی و تاکتیک هیچ تشکیلاتی نمی تواند موفق شود. بگذارید به این ویژگی ها اشاره ای کنیم:

اولین ویژگی سخت بودن انقلاب است یعنی طبقه حاکم با کمک سرمایه جهانی با تمام قدرت از انقلاب کارگری در ایران هراس دارد و بهر وسیله ای متوصل می شود تا از رشد مبارزات توده ای به یک انقلاب چپ و کمونیستی جلو گیرد. در این زمینه با امپریالیسم جهانی هم راه و هم داستان است. یعنی انقلاب کردن در ایران باید با حاکمیتی بجنگی که قدرت امپریالیستی جهانی هنگامی که خطر کمونیسم را حس کند حامی آنست و دخالت مستقیم و غیر مستقیم می کند.

دومین ویژگی بغرنجی و پیچ و خم راه آنست. بعضی ها فکر می کردند با میرزا کوچک خان متحد شدن و شورای دمکراتیک گیلان را بنیاد گذاردن می توان با لشکر کشی به تهران پایتخت را تسخیر و شوروی ایران را بر پا کرد، بعضی ها بخت خود را با رضاشاه امتحان کردند و او را نماینده بورژوازی ملی نامیدند غافل از اینکه قراش با لرد کرزن وزیر امور خارجه انگلیس تار و مار کردن کمونیست ها بود. همینطور این انحرافات در مراحل بعدی هم که اشاره شد ادامه یافته است و اگر خوب بنگریم امروز هم موجود است. در حقیقت بغرنجی انقلاب در ایران هم از ساخت اقتصادی آن از جمله وجود صنعت نفت و در آمد آن، ناموزونی رشد اقتصادی و مهمتر شریک شدن انحصارات بزرگ امپریالیستی با حاکمیت در استثمار زحمتکشان و غارت منابع ملی ایران



از نو پیوند بخورد.»

امروز در مجموع جنبش کارگری ایران یک خط پرولتری کمونیستی غالب نیست. در نتیجه خط دیگری غالب است. در حالی که طبقه کارگر مبارزه گسترده‌ای را جهت ایجاد تشکل‌های مستقل و تأمین معیشت به پیش می‌برد، ولی نمیتوان گفت که سوسیالیسم در این جنبش غالب و «از یک خصلت، خود بخودی» برخوردار است» بلکه بیشتر به لحاظ جهان بینی هنوز اسلام ناب محمدی بر افکار کارگران حکم میراند. اکثر مسلمان هستند.

وقتی منصور حکمت می‌گوید: «نباید هر روز از نو پیوند بخورد». اولاً جلوی حرکت جنبش کمونیستی جهت پیوند با جنبش کارگری را سد می‌کند و دیگر این که در مقابل ایدئولوژی حاکم بر جنبش کارگری که ایدئولوژی بورژوازی حاکم است، سرفرود می‌آورد.

آیا در ایران در صفوف طبقه کارگر «کمونیسم... به یک جزء لاینفک آن و به یک گرایش عملی در صفوف آن بدل شده است»؟؟

امروزه سطح دانش و درجه تحصیلات کارگران با کارگران روسیه و چین ۱۹۲۰ قابل مقایسه نیست. بسیاری از کارگران ایران دوازده کلاس درس خوانده‌اند. از طریق وسائل ارتباط جمعی از اوضاع اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشور و اوضاع بین‌المللی اطلاعات وسیعی دارند. ولی این کارگران نمی‌توانند مارکسیسم را دوباره مستقلاً تدوین کنند ولی این کارگران می‌توانند بدون یاری روشنفکران مارکسیست غیر کارگری، به مارکسیسم تدوین شده و تجربیات کل طبقه کارگر جهانی در زمینه انقلاب و کمونیسم دست یابند. دست یافتن بعضی از کارگران به مارکسیسم نیز هنوز به مفهوم گرایش عملی کمونیسم در جنبش کارگری نیست. تا وقتی طبقه کارگر نتوانسته است سازمان سیاسی رهبری کننده خود (حزب کمونیست) واقعی و سرتاسری ایران را به وجود آورد، نمی‌توان ادعا کرد «کمونیسم... به یک جزء لاینفک آن و به یک گرایش عملی در صفوف آن بدل شده است» چنین ادعائی در آن روز که حکمت و همکارش آن مقاله را نوشتند تا به امروز، موضع پاسیفیستی و سرفرود آوردن و دنباله روی آنها را از جریانات خود بخودی و ایدئولوژی بورژوازی حاکم در معرض دید می‌گذارد.

صحت تحلیل ما از دیدگاه منصور حکمت وقتی شفافتر ظاهر می‌شود که او ادعا می‌کند: حکومت کارگری «به همان اندازه شعار، اتحادیه قدرت ماست» از یک خصلت، «خود بخودی» در میان کارگران برخوردار است...»

همه میدانیم که درخواست اتحادیه مستقل کارگری یک درخواست به روز و حاد طبقه کارگر و جنبش کارگریست. آیا درخواست حکومت کارگری هم در همین سطح توسط این طبقه در جامعه بیان میگردد؟ آیا طبقه کارگر و کل جنبش کارگری آگاهانه برای حکومت کارگری در حرکت است؟ نه، شعارهای کارگران هنوز رفرمیستی و در قالب همین نظام است.

البته تذکر این نکته بی جا نیست که شعار «

برابری، برادری، حکومت کارگری» یک شعار بورژوازی و اغواگرانه بیش نیست، زیرا در کشورهای امپریالیستی نیز احزاب بورژوازی که خود را کارگری میدانند هرازگاهی به بالاترین درجه قدرت سیاسی دست می‌یابند. مثل حزب کارگری در انگلستان و یا حزب سوسیال دموکرات کارگری آلمان. این احزاب به اصطلاح کارگری نیز از برادری و برابری حرف می‌زنند ولی برابری چه کسانی و برادری چه عناصری؟

همه این ادعاهای پوچ منصور حکمت برای این است که به کومه‌له‌ای‌ها بگوید: مهم این نیست که ما حتما در سمتگیری پیوند با طبقه کارگر حزب کمونیست را ایجاد کنیم. ما می‌توانیم در هر کجای دنیا حزب کمونیست ایران را بر پا نمائیم. می‌شود در ایسلند حزب کمونیست ایران، به خصوص نوع کارگری آن را هم ایجاد کرد، زیرا در ایران شعار «حکومت کارگری از یک خصلت، خود بخودی» در میان کارگران برخوردار است» ناشی از این درک ضد مارکسیستی ادامه میدهد: «باور کردن جنبش کمونیستی به مثابه یک جریان زنده در جنبش طبقاتی پرولتاریا...» [البته جنبش کمونیستی مربوط به طبقه کارگر است ولی هنوز در درون طبقه کارگر حضور ندارد.] «گام اول در تعریف زنده و اصولی حزب کمونیست در شرایط امروز است...» [یعنی برای حکمت، این امر غیر واقعی، گام اول در تعریف زنده و اصولی حزب می‌باشد.] و این «تمایز کمونیستها از آنارشیزم، سندیکالیسم، اتحادیه‌گری، خلق گرائی، لیبرالیسم، رفرمیسم، پارلماناریسم و غیره» است... حزب کمونیست، کمونیسم متشکل است؛ و لذا هر تشکل که اولاً این اهداف و شیوه‌ها را بشناسد... متعهد شود، مبارزه خود را بر مبنای آن سازمان دهد و به پیش برد و ثاباً، از توان کافی و استواری عملی لازم برای ادامه کاری و ثبات قدم در این امر برخوردار باشد، یک حزب کمونیست است. حال خواه این حزب کوچک یا بزرگ شود، ضعیف یا قوی شود، در اپوزیسیون باشد یا دولت را تشکیل بدهد، این حزب، حزب کمونیست خواهد بود، زیرا نماینده متشکل کمونیسم به مثابه یک جریان متمایز و مشخص در جنبش طبقه کارگر است.»

در سطور پیش ما نشان دادیم که منصور حکمت دنبال جریان «خصلت خود بخودی حکومت کارگری» در طبقه کارگر ایران، که ساخته و پرداخته ذهن اوست روان گردیده است. در نقل قول بالا، حزب را از طبقه به طور کامل جدا می‌کند. برای او حزب کمونیست یعنی حزبی که قبول کند کمونیسم در طبقه کارگر زنده است، مبارزه فکری با جریانات فکری دیگر آن طور که او آن را می‌فهمد (یعنی به لجن کشیدن هر کسی که غیر از من فکر می‌کند). باور بر این که این مبارزه شیوه مبارزه کمونیستی است، قبول این که حزب کمونیست، کمونیسم متشکل است (جل‌الخالق) و تعهد و ثبات قدم به همه این‌ها. چنان که دیده می‌شود درخواست‌های بالا هیچ کدام به فعالیت عملی و سازماندهی در جنبش

کارگری مربوط نیست. لذا هر سازمان کوچکی خارج از طبقه، بی رابطه با آن در هر کجای دنیا می‌تواند خود را حزب کمونیست ایران و یا حزب کمونیست کارگری ایران بنامد.

این امر گذشته از این که در درک خصلت، مضمون و کیفیت یک حزب راستین کمونیستی اخلاص به وجود می‌آورد، آنارشیزم و پلورالیسم را در جنبش کمونیستی دامن زده و آن را قانونی می‌نماید، زیرا با این معیارها در هر لحظه‌ای ده‌ها سازمان در یک کشور می‌توانند خود را حزب کمونیست ایران بنامند. به بیان دیگر تفکر منصور حکمت یک تفکر انحلال طلبانه است.

این موضع یعنی فرار از وظیفه تخطی ناپذیر کمونیست‌ها و جنبش کمونیستی. این یعنی سرفرود آوردن در مقابل فعالیت‌های عملی بورژوازی در جنبش کارگری. زیرا وقتی بدون حضور حزب کمونیست، کمونیسم یک جزء لاینفک و یک گرایش عملی در جنبش طبقه کارگر باشد، در آن صورت طبقه احتیاجی به رهبر سیاسی خود ندارد، بدون حزب کمونیست هم می‌تواند به سوسیالیسم برسد.

چرا منصور حکمت چنین موضع عقب مانده‌ای دارد؟ به این جهت که او با قلمداد کردن مرحله «جمهوری دموکراتیک انقلابی» برای آینده ایران، نمی‌خواهد نظم سرمایه‌داری را برهم بزند، می‌خواهد دوشادوش آن «انقلاب» کند. در عین حال نمی‌خواهد برای این انقلاب منتظر ارتقاء سطح آگاهی کارگران بماند چون بر مبنای نقل‌قول‌های فوق به ویژه گفتارش در مورد پاسیفیسم، هدف او سرنگونی جمهوری اسلامی است. در نتیجه حزبی را که می‌خواهد بسازد، می‌تواند بر بنیان یک سری تئوری‌های ظاهراً مارکسیستی ولی واقعا رفرمیستی و انحلال طلبانه و بدون پیوند با طبقه کارگر باشد به امید این که روزی روزگاری شاید این حزب با طبقه پیوند برقرار کند.

حزب ما معتقد نیست که یک حزب کمونیست در مراحل اولیه ایجادش حتماً باید در جنبش کارگری نفوذ گسترده داشته باشد ولی عمیقاً معتقدی است که این حزب کمونیست تازه ایجاد شده اگر سمتگیری جهت نفوذ در جنبش کارگری را در همان نطفه تشکیل در خود نداشته باشد، دیگر یک حزب کمونیست نیست. یک تشکیلاتی است که از کمونیسم و جنبش کارگری فقط دفاع می‌کند بدون این که بتواند تأثیر مشخص و مستقیمی در آن داشته باشد.

در مقاله‌ای که ذکر گردید، بر شیوه و سبک کار کمونیستی بسیار تأکید شده است. از دیدگاه حکمت و همکارش، شیوه کمونیستی یعنی تحویل دادن فرمول‌بندی‌های «کمونیستی».

در حالیکه شیوه و سبک کار کمونیستی مفاهیم خاصی دارند. سبک کار کمونیستی عبارت است از ۱- پیوند فشرده با توده‌ها، این همان شیوه تفکر لینن است که می‌گوید: «دقت و توجه عمده باید بدان معطوف گردد که کارگران را تا سطح انقلابیون ارتقاء دهیم نه اینکه، آن طور که اکونومیست‌ها مایلند، خودمان حتماً تا سطح «توده کارگر»... تنزل نمائیم.»



روز در بیش از صد و چهل شهر بیرون جهید و باردیگر ققشون سرکوبگر خامنه‌ای به میدان آمد، کشت، دستگیر کرد، شکنجه داد و نفس‌ها در سینه‌ها موقتاً بار دیگر خفه کرد. ددیری نپائید آبان نود هشت همه‌جانبه‌تر، عمیق‌تر از جنبش‌های قبلی اینبار از قعر دریا، پائین‌ترین افشار جامعه در ۷۰۰ شهر و شهرک برخاستند، بازهم با سرکوب شدید لشکر ضد مردمی خامنه‌ای رو برو شدند. چهل سال تاریخ جمهوری اسلامی نشان داد که یکی از خونخوارترین حکومت‌هایی است که سزمین ایران در این تاریخ طولانی‌اش به خود دیده است و در عین حال یک درس سترک تاریخی را که کمونیست‌ها بدان واقف بودند و هستند بار دیگر به اثبات رساند. صاحبان زر و مال، طبقات حاکم پس از کسب قدرت سیاسی چنان ماشین جنگی‌ای برای حفظ قدرت بوجود می‌آورند که تنها با بکاربردن قهر توده ایست که می‌توان آنها را به زیر کشید. در برابر قهر ارتجاعی راهی نیست جز بکار بردن قهر انقلابی.

قهر انقلابی از خشم ستم‌دیدگان، هیچ بودگان و در دوران تاریخی کنونی کارگران و زحمتکش‌ان علیه جباران حاکم هنگامی که آنها دست به سرکوب می‌زنند در تاریخ طولانی هزاران ساله‌ی سزمین ما به کرات اتفاق افتاده است. مقاومت اخیر استثنا نیست و ادامه‌اش بی‌شک قدرت‌گیری مردم تا پیروزی نهایی خواهد بود. در آبان ماه نود هشت در شرایط بسیار ناهنجار و فقر توده‌های مردم، بار دیگر هنگامی که به ناگاه قیمت بنزین را خامنه‌ای سه برابر کرد، مردم در سراسر ایران دست به اعتراض مسالمت‌آمیز زدند دیکتاتور بزرگ به قبایش برخورد دستور سرکوب "اشرار" را صادر کرد. این بار نه خاتمی، موسوی کروی بودند که آب رو آتش پاشند و نظام را نجات دهند، نه مانند دیماه ۹۶ که قیام کنندگان در صفوفشان از افشار متوسط جامعه بود که هم خدا را می‌خواستند و هم خرما. آبان ماه مقاومتی بود از پایین‌ترین و فرودست‌ترین افشار جامعه که کارد به استخوانشان رسیده و دیگر راهی جز انقلاب کردن را در پیش ندارند. آنها چون آتش‌نشانی که از قعر زمین سر به بیرون می‌کشد، چون جنبشی مقاومت خود را نشان داد. خیزش بیش از صد و چهل شهر ایران در دیماه نود و شش مقاومت خونینی است که برای همیشه راه مسالمت‌آمیز تغییر را بست. جنگ طبقاتی ادامه سیاست‌های طبقاتی با و سایل جنگی است و هنگامی رخ می‌دهد که راه حل‌های مسالمت‌آمیز توسط حاکمان سد شده است. رژیم جمهوری اسلامی در این چهل سال سلطه‌ی یکی از ثروتمندترین سزمین منطقه را از هر لحاظ - ذخیره‌کان‌ها و مواد خام، با جمعیتی کاری و جوان تا حد بالای بیست میلیون در منطقه‌ای مرکزی میان شمال و جنوب و شرق و غرب با تمدنی دیر پایه از همزیستی هزارساله میان ملیتها و قوم‌ها با عادات و زبان

انقلاب ایران پذیرفته شد.

در واقع مصوبات کنگره دوم حزب رنجبران ایران نمونه درخشان از جهان بینی پرولتری در زمینه انتقاد و انتقاد از خود صادقانه است. هر کمونیستی می‌بایست این موضع صادقانه حزب رنجبران را استقبال و تشویق کند و آن را در کل جنبش کمونیستی پرورش دهد. ولی بر خورد منصور حکمت به گونه دیگری بود که ایدئولوژی خرده بورژوازی و فاسد او را در چشم کمونیست‌ها و انقلابیون میکوبید: «خودتان را منحل اعلام کنید، این بهترین خدمتی است که می‌توانید به انقلاب بکنید.»

حال بینیم منصور حکمت چگونه می‌خواهد بی‌پرنسپی خرده بورژوازی را می‌خواهد با دگنگ وارد سازمان رزمندگان کند و این سازمان کمونیستی را از درون ازهم بپاشد: «آیا باید «حرمت» تشکیلات را، حتی آنجا که بورژوازی نام آن، ارگان آن و اعتبار آن را ببازی گرفته است حفظ کنیم، یا برای حفظ نام، ارگان و اعتبار آن برای پرولتاریا، بورژوازی را، حتی آنجا که در تشکیلات ما ظهور کرده است رسوا سازیم؟» او با خط مشی سازمان رزمندگان مشکل دارد. لذا کوشش می‌کند این سازمان را از هم بپاشد. اعضای آن را تشویق می‌کند که حرمت‌ها را از بین ببرند و تحت واژه‌های عوام‌فربانه «منافع پرولتاریا» همه را علیه هم بشوراند

ادامه دارد

## قهر مامای تولد جامعه نوینی است.

قهر خامنه‌ای، سپاه پاسداران، حراست، امنیت و لباس شخصی‌هایش ارتجاعی در خدمت سرمایه داری حاکم و جنایتکار چنان داغی بر دل مردم ایران از فارس، آذری، کرد، عرب، بلوچ و ترمن در سراسر ایران گذاشت که تنها با براندازی رژیم جمهوری اسلامی می‌توان جبران کرد. مردم و اکثریت مردم سال‌های طولانی با مهربانی راهنمایی کردند، رته مسالمت را در پیش گرفتند، خواست‌های خود را در سطوح مختلف از انجمن‌های خانه و مدرسه گرفته تا جلسات کوچکتر زمزمه کردند اما رژیم جمهوری اسلامی گوش شنوا نداشت، کارگران اعتراض مسالمت‌آمیزشان با زندان و شلاق در میدان‌های عمومی همراه شد، زنان علیه فرمان حجاب اجباری برخاستند سرکوب شدند، معلمان برای حقوقشان اقدام نمودند رهبران‌شان بعنوان اخلال‌گر به زندان انداختند. شورای انتصابی برای انتخابات درست کردند، رای‌قلاپی به صندوق‌ها ریختند و حق شهروندی را از آنها گرفتند، خامنه‌ای احدی نژاد را تحمیل کرد و اعتراض مسالمت‌آمیز چند میلیونی مردم را در سال ۸۸ به خاک و خون کشید، بازهم سرکوب و زندانی و شکنجه ادامه یافت و راهی جز قیام برای مردم حاکمان نگذاشتند. دیماه نود شش چون آتش فشان‌ی خشم توده‌های زحمتکش در عرض چند

۲- تلفیق تئوری با عمل. یعنی تلاش جهت ارتقاء فکری طبقه کارگر و مبارزه خود بخودی این طبقه به مبارزه آگاهانه و متشکل طبقاتی. لنین می‌گوید: «مبارزه خود بخودی پرولتاریا، تا زمانی که یک سازمان مستحکم انقلابیون آنرا رهبری نکند، به مبارزه طبقاتی» حقیقی پرولتاریا مبدل نمی‌گردد.»

۳- انتقاد و انتقاد از خود. یعنی مبارزه سالم و وحدت طلبانه جهت نزدیک کردن جنبش کمونیستی به طبقه و انسجام کمونیست‌ها حول جهان بینی، استراتژی و سیاست کمونیستی. نه تلاشی کردن و انهدام جنبش کمونیستی آن طور که منصور حکمت در رابطه با سازمان رزمندگان، چریک‌های فدائی (اقلیت) و حزب رنجبران عمل می‌کرد.

۴- که همه این‌ها فقط می‌تواند توسط حزبی عملی گردد که بر مبنای مرکزیت دموکراتیک - یعنی بیان مادی و سازمانی جهان بینی و متدلوژی کمونیسم - بنا گردیده باشد.

چنانکه می‌بینیم، مطالب فوق در دیدگاه منصور حکمت محلی از اعراب ندارد. ولی تفرعن و انحلال طلبی در اندیشه او بسیار قوی و با ثبات است: او در رابطه با یکی از قدیمی‌ترین احزاب کمونیستی ایران که از خط انحرافی خود صادقانه و همه‌جانبه انتقاد کرده است چنین می‌گوید: «همین حزب رنجبران که امروز موش شده، آن موقع می‌نوشت، آی بورژوازی ملی را قبول ندارند! اینها فوق‌چپ‌اند. اینها چنینند و چنانند...»

منصور حکمت غیر از خودش و سازمانش همه تشکلات جنبش کمونیستی را موش میدید که از او ترسیده‌اند و موش شده‌اند.

در آن لحظه‌ای که منصور حکمت در مورد حزب کمونیست سخنرانی میکرد و از پرولتاریای ایران می‌خواست همراه دهقانان فقیر و همدوش منصور حکمت و بورژوازی دموکرات «جمهوری دموکراتیک انقلابی» را برپا کند، حزب رنجبران ایران در کنگره دوم خود در کردستان، پس از یک مبارزه شدید ایدئولوژیک، بر دستاوردهای تحقیقاتی و مارکسیستی رفیق فداکار و جانفشانده‌اش، پرویز واعظ زاده مرجانی صحنه گذاشت و بر سرمایه‌داری بودن ایران و ضرورت ایجاد حزب پیشقراول پرولتاریا - حزب کمونیست ایران - دوباره مهر تأیید گذاشت.:

«... سیر تحولات اخیر زیربنای اقتصادی ایران در جهت جایگزین شدن سرمایه‌داری وابسته است به جای فئودالیسم... خطوط اساسی فعالیت نیروهای پیشرو (مارکسیست - لنینیست) برای ایجاد حزب و تدارک جنگ توده‌ای عبارت است از: ...

الف- در سطح مارکسیست - لنینیستی بر اساس شعارهای:

- § راهنما قرار دادن مارکسیسم - لنینیسم.
- § سرنگون کردن رژیم از طریق انقلاب قهر آمیز
- § مرزبندی با رویزیونیسم و مبارزه با آن
- § تشکیل حزب کمونیست.»

حدود یک سال پس از این کنگره در کنفرانس حزب در کردستان مرحله بلافاصله سوسیالیستی



ورسومات خود، به لبه پرتگاه نابودی سوق داده است. گرسنگی غوغا می کند، کودکان کار، فحشا و بی خانمانی همه جا گیرشده است. در برابر دیکتاتوری حاکم هیچ راهی جز خیزش توده ای باقی نمانده است. قیام آبان آغاز انقلابی است از پائین، از فرودستان و پابرهنگان جامعه که دیگر نمی توانند قدرت ستمکارو استثمارگر سرمایه داری حاکم را تحمل کنند. این جنبش آغازش را در خیزش زنان اولین اعتراض توده ای اسفند ۵۷ دارد که در برا بر فرمان حجاب خمینی دجال و خدعه گزیده گفتند و او را مجبور به عقب نشستی موقتی کردند، دارد و خیزش زنان سنگ بنایی شد برای جنبش نوین مردم ایران برای ادامه مقاومت آنها در این سال های طولانی و به درستی در تاریخ پر افتخار زنان ترقیخواه و چپ ایران ثبت است و باور کردنی نیست که در ادامه اش مجبور شد از مسیر سخت، طولانی و پر پیچ و خمی بگذرد، اول پیشقروان و بهترین فرزندان در دهه شصت به میدان فرستد و در نبرد های نابرابر سنگر به سنگر ازاهواز تا سسندج، ترکمان صحرا تا آمل و قشقائی، همه جا در شهر و روستاها بایستند و مهر مقاومت تا آخر را به درفش سرخ گلگون شده آزادی و برابری بکوبند. بی شک رستاخیز آبان ادامه همین مقاومت ها در شرایط در ماندگی کامل رژیم جمهوری اسلامی است.

دستاوردهای این قیام بسیار است اما بزرگترین آن در عمل بی حیثیت کردن خامنه ای و سه قدرت سلطه گردست نشانده اوست. همانطور که در سال پنجاه و هفت توده ها با اقداماتشان شاه را به حیرت در آوردند و دیری نکشید که فراری شد خیزش آبان نظام فرومانده را از بنیاد به لرزه در آورد تنها تفاوتش خنده آورش شاید در این باشد که شاه از دوازده امام آخر عمرش بیشتر به امام حسن بیمار تمایل کرد و خامنه ای بنظر می رسد چون خلقه به خلقه در محاصره قرار دارد و راه فرار به خارج را هم به روی خود بسته است حسینی است و مشیت الهی را در این میبیند مانند کیشش کاتولیک بنیان گذار حزب الله که در میدان فلورانس سوزاندند بجای ویلان شدن در سراسر دنیا در جماران بسوزانند و برای درس عبرت به حاکمان جبار آینده مجسمه اش به نمایش گذارند. همه شواهد و رجز خوانی هایش نشان میدهد قصد دارد آخرین روزهای زندگی اش را بازمه بیشتر خون مردم ایران بریزد. شاه ایران با تاریخ باستانی شاهنشاهی ایران ادعای قدرت بزرگ منطقه ای را کرد و امروز خامنه ای شیعیگری را بهانه کرده، خود را رهبر مسلمانان جهان می نامد. هر دو آنها لبریز از جنون قدرت اولی ۳۲ سال ودومی هم کمی بیشتر سرمایه داری را با زور سرنیزه بر گرده کارگران میلیونی کار ارزان گسترش دادند و تلاش کردند ابدیت به سلسله خود ابدیت بخشند. اولی رضا را ولیعهد نامید و این دیگر مجتبا را جانشین خود میداند.

بسی خیال واهی. مرتجعان در تاریخ بزرگترین خیال پردازانند چون علیه پیشرفت تاریخ می ایستند و سرنوشتی جز شکست نهایی ندارند. سرنوشت پادشاهان و حاکمان ایران را مردم در چند کلمه ساده خلاصه کرده اند: "نه نادر به جا ماند و نه نادری".

اما انقلابیون ایران انقلاب کنندگان ایران تاریخ چندین هزار ساله در پشت سر دارند، نواده های بردگانی هستند که هزاران سال پیش به زور شمشیر و شلاق خشایار شاه تا در دوازه های آتن را گردشان تخت امپراطوری را کشاند، رعایایی هستند که در دوران رعیتی شیره جانشان را مالکان میکیدند و وبدون هیچ حقوق اجتماعی پادشاهان آنها را به چرخ های جنگی لشگر کشی هایشان می بستند. همه جا وهمه قرن ها خرافات و دین را قشر مفتخور روحانیت چون افیون برای مطیع کردن آنها در خدمت صاحبان قدرت بکار بردند.

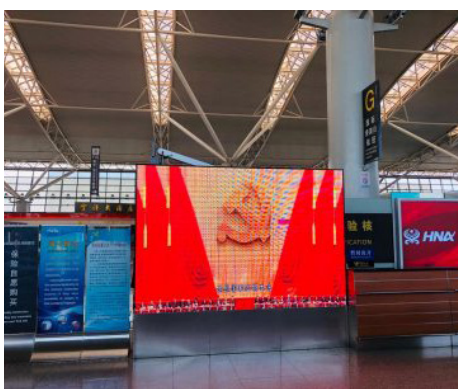
ر. دیلم

### کشور پهناور چین جهان را به لرزه در خواهد آورد

توضیح هیئت تحریریه: برخی از مواضعی که در این ترجمه آمده است با نظرات حزب رنجبران همخوانی ندارد ولی بعلت اینکه این مقاله دارای اطلاعات مشخصی برای پژوهش گران راجع به رشد سرمایه داری در چین است، در نشریه رنجبر انتشار می یابد

کشور پهناور چین جهان را به لرزه در خواهد آورد: در مورد کشاورزان و هوش مصنوعی توسط مارک وندپیت و نگ ساووتوجی، تحقیقات جهانی، ۱۱ اکتبر ۲۰۱۹

By Marc Vandepitte and Ng Sauw Tjhoi



برای نخستین بار در تاریخ اخیر، یک کشور فقیر و توسعه نیافته با سرعتی غیر قابل تصور تبدیل به یک ابر قدرت اقتصادی شده که از هر نظر تأثیر عمده ای بر امور جهانی دارد. چگونه این جهش عظیم به واقعیت پیوسته است؟ این جهش برای بقیه جهان چه معنی ای دارد؟ باید به گذشته ۷۰ سال انقلاب های چین نظر

دقیق انداخت.

بازگشت به نقشه جهان

قرن ها است که چین جذابیت فرهنگی خود را به نمایش میگذارد و به همراه هند بازیگر پیشرو در صحنه جهانی بودند. پس از یک قرن استعمار، تجاوز، تحقیر و جنگ های داخلی، مائوتسه دو در سال ۱۹۴۹ کشور خود را در نقشه جهانی بازگرداند. چینی ها عزت خود را بدست آوردند.

این آغاز « مسابقه مارا تن توسعه با سرعت بسیار زیاد» بود که روابط جهانی را تکان می دهد. همانطور که ناپلئوم بناپارت پیش از این پیش بینی کرده بود: « چین غولی ست که فعلا در خواب است، وقتی بیدار شود، تمام جهان به لرزه درخواهد آمد.»

معجزه اقتصادی

در زمان تأسیس جمهوری خلق چین در سال ۱۹۴۹، این کشور یکی از فقیرترین و عقب افتاده ترین کشور در جهان بود. اکثریت قریب به اتفاق چینی ها در کشاورزی (غالباً بدوی) اشتغال داشتند. تولید ناخالص داخلی سرانه نیمی از آفریقا و یک ششم آمریکا لاتین بود. برای اینکه فرصتی برای آرمانهای انقلابی برابری در یک محیط جهانی بسیار خصمانه فراهم شود، دستیابی به رشد سریع اقتصادی و فن آوری ضروری بود. این قرار شد طی ۷۰ سال آینده از طریق یک روند آزمایش و خطا انجام گیرد.

پس از یک دوره بسیار درون گرا و آشفته در دوران مائوتسه دون - که در آن یک رشته عملیات گسترده بحث برانگیزی مانند « جهش بزرگ به جلو » و « انقلاب فرهنگی » آغاز شد - تنگ سیاپینگ مشعل را در سال ۱۹۷۸ به دست گرفت. تقریباً بلافاصله اما با احتیاط او رفم های اقتصادی را شروع کرد و روابط با بسیاری از کشورها از جمله ایالات متحده را بطور قابل ملاحظه ای برقرار کرد.

در مقایسه با اروپای غربی، صنعتی شدن چین با جمعیتی بیش از پنج برابر چهار برابر سریع تر انجام گرفت. (۱) هفتاد سال قبل، اقتصاد چین در سطح جهانی ناچیز بود. در سال ۲۰۱۴ چینی ها به عنوان بزرگترین اقتصاد (از نظر حجم) از ایالات متحده پیشی گرفتند و هم چنین به بزرگترین کشور صادر کننده در جهان تبدیل شدند. امروز ۳۵ شهر در چین با تولید ناخالص داخلی برابر با کشورهایی مانند نروژ، سوئیس یا آنگولا وجود دارد. در همین حال، تولید ناخالص داخلی چین از تولید ناخالص داخلی ترکیبی از ۱۵۴ کشور بزرگتر شده است. مقدار تولید سیمان های چین بین سالهای ۲۰۱۱ - ۲۰۱۲، بیشتر از کل تولید سیمان های ایالات متحده در تمام طول قرن بیستم بود. این کشور تعداد ده فرودگاه جدید در هر سال ساخته و دارای گسترده ترین شبکه جهانی بزرگ راه ها و خطوط قطار با سرعت های بالا را دارد. در حال حاضر، این کشور به همان میزان سال ۱۹۷۸ را در شش ساعت صادر میکند.

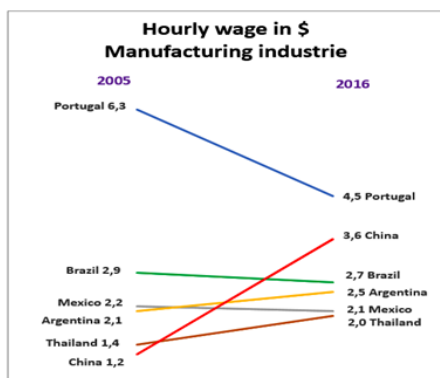
جهش تکنولوژی به جلو

چین تنها از نظر تکامل کمی تعجب آور نیست. از نظر کیفیت، هم چنین اقتصاد چین نیز جهش های بزرگی را



سال رسید. (۲) امروز حد متوسط عمر چینی ها به ۷۶ سال رسیده است. مرگ و میر نوزادان به نسبت قابل ملاحظه ای بهبود یافته است. به عنوان مثال، اگر هند همان مراقبت های پزشکی و پشتیبانی اجتماعی را به شهروندان خود ارائه میداد همانطور که چین انجام می دهد، هر سال ۸۳۰ هزار کورک کمتر در هند می میرند. (۳)

بین سالهای ۱۹۷۸ و ۲۰۱۸ چین موفق شد تعداد رکورد شکنی را از فقر نجات دهد: ۷۷۰ میلیون نفر. این میزان برابر است با کل جمعیت جنوب صحرای آفریقا در آن دوره نام برده. با سرعت فعلی، فقر منتها درجه تا سال ۲۰۲۰ کاملاً ریشه کن خواهد شد. به گفته ابرار زو لیک، رئیس سابق بانک جهانی، این « مطمئناً بزرگترین جهش برای غلبه بر فقر در جهان است. تلاش های چین به تنهایی تضمین کرده است که اهداف توسعه هزاره جهان در مورد کاهش فقر برآورده می شود. ما و کل جهان چیزهای زیادی برای آموختن از این داریم. »



در حالیکه دستمزد ها در بسیاری از کشورها در حال رکود یا نزول هستند، اما طی یک دهه گذشته دستمزد ها در چین ۳ برابر شده است. پانزده سال پیش، شرکت های چند ملیتی غربی به دلیل دستمزدهای پائین به سمت چین هجوم آوردند. حرکت معکوس اکنون در حال دست به دست شدن است. حد متوسط دستمزد ها در صنایع چین در حال حاضر تنها ۲۰٪ از پرتقال کمتر است. کشورهایمانند بلغارستان، مقدونیه، رومانی، مالداوی، اوکراین در سال ۲۰۱۳ حد اقل دستمزد کمتری نسبت به چین داشتند.

کم بودهای قابل توجه چین

این روایت موفقیت آمیز هم چنین دارای اشکالاتی است. افزایش سریع در تولید، در صنایع و خدمات، در مقایسه با کشاورزی، باعث ایجاد شکاف بزرگ بین مناطق شهری و روستایی، بین مناطق فقیر نشین و استانهای ساحلی شرقی غنی تر شده است. سیستم موکد هوکو (ثبت نام محل اقامت فردی، وضعیت اجتماعی را تعیین می کند) باعث می شود گروه عظیمی (از ۱۰۰ ها میلیون نفر) از « مهاجران داخلی » که از حقوق اجتماعی کم تری برخوردار هستند، اغلب مورد تبعیض قرار می گیرند. سیاست تک فرزندی (از سال ۱۹۷۸) - جدا از ویژگی الزام آور آن منجر به سقط های انتخابی متعدد و مازاد مردان بیش از ۳۰ میلیون شده است.

دمکراسی: نیروی مصرف شده و محصول یا بازده سیستم سیاسی غربی معمولاً خود را بر تر میداند بطوریکه

وجود دارد.

توزیع زمین های کشاورزی به کشاورزان در ابتدای انقلاب و سیستم ثبت نام خانوار های شخصی (هوکو) باعث شده است که از تپیکال هرج و مرج معمولی که اکثراً در کشورهای جهان سومی اتفاق می افتد و در نتیجه کارهای غیر رسمی و غیر مولد صورت می گیرد، جلوگیری شود.

برخلاف اتحاد جماهیر شوروی، چین در گیر رقابت تسلیحاتی بسیار گران قیمت با ایالات متحده نشده است.

این رویکرد با دستور العمل کشورهای سرمایه داری که سرمایه مالی و چند ملیتی در آن مسئول هستند، در تضاد است، جاییکه سود کوتاه مدت هدف اصلی است و جاییکه دولت ها در حذف کسری بودجه از طریق پس انداز تثبیت شده اند. روشی بسیار جالب توجه برای بحران مالی (۲۰۰۸) برای کشور مثل چین بسیار معمولی است. دولت چین یک برنامه محرک ۱۲.۵٪ تولید ناخالص داخلی را اجرا کرد که احتمالاً بزرگترین برنامه زمان صلح تا کنون است. اقتصاد چین اندکی افت کرد، اما پس از آن با سرعت رشد کرد، در حالیکه اقتصاد اروپا طی ده سال در حال پس و پیش رفتن و بالا و پائین رفتن است.

مدل رشد جدید

با توجه به تغییراتی سریع در بازار کار داخلی، دستمزد ها و بازار های خارجی، دولت چین مدل رشد متفاوتی را ایجاد کرد. وقتی رئیس جمهور شی جینپینگ در سال ۲۰۱۲ مسئولیت خود را بدست آورد، اظهار داشت که « رشد به خاطر رشد » دیگر نباید هدف باشد. مدل قدیمی مبتنی بر صادرات و سرمایه گذاری در صنایع سنگین، ساخت و ساز و صنعت تولید بود. در مدل جدید، نیروی محرکه مصرف انبوه (بازار داخلی)، بخش خدمات و فعالیتهای با ارزش افزوده بالاتر با بالا رفتن از نردبان تکنولوژی است. این تحول نشان دهنده انعطاف پذیری است که رهبری چین سیاستهای اقتصادی را در آن اجرا می کند. این دوازدهمین رکن دستور العمل چینی است. این انعطاف پذیری روشی است که اتحاد جماهیر شوروی در دوره بعدی خود با این چالش ها روبرو بوده است.

آیا اکنون این رشد موفقیت آمیز می تواند برای مدتی ادامه یابد؟ بدون تردید اقتصاد این کشور با سطح بالایی از بدهی، بانک های سایه دار، سرمایه گذاری بیش از حد در زیر ساخت ها، حباب املاک و مستغلات، افزایش جمعیت، جنگ تجاری فزاینده با ایالات متحده و غیره دست و پنجه نرم می کند. با این وجود، اکثر ناظران چین را به عنوان اقتصاد مقاومتی می دانند و تجزیه و تحلیل هایی نشان می دهد که هنوز فضای قابل توجهی برای خطا و کمبودها وجود دارد و فضای زیادی برای رشد با سرعت سریع برای مدت طولانی وجود دارد.

کاهش فقر در چین بی سابقه ترین و بزرگترین در تاریخ جهان است

در سال ۱۹۴۹، در آغاز انقلاب چین، حد متوسط عمر ۳۵ سال بود. ۳۰ سال پس از آن به دو برابر یعنی ۶۸

به جلو انجام داده است که توسعه فن آوری آن نمونه اصلی ست. میلیونها مهندس، دانشمند و تکنسین از دانشگاه های چین در دهه های اخیر فارغ التحصیل شده اند. تا همین اواخر، چین به عنوان یک تقلید کننده فن آوری دیده میشد. امروز، چین یک مبتکر برجسته است. در حال حاضر چین سریع ترین فوق کامپیوتر را در اختیار دارد و اکنون در حال ساخت پیشرفته ترین مرکز تحقیقاتی جهان برای توسعه حتی کامپیوترهای کوانتومی سریع تر است. در سالهای اخیر این کشور در زمینه موشک های ما ورا الصوت، آزمایش پردازش ژن های انسانی، ماهواره های کوانتومی و شاید مهم تر از همه: در زمینه همش مصنوعی به نتایج چشم گیری رسیده است. پروژه ساخت چین در سال ۲۰۲۵ با هدف تقویت این نو آوری در فن آوری در بخش های حیاتی اقتصادی و اجتماعی ست.

آیا چین بخشی از پیشرفت تکنولوژی خود را مدیون سرفت مالکیت عقلانی (معنوی) ست؟ بدون شک، مانند کشورهایی مثل برزیل، هند و مکزیک نیز این گونه است. در گذشته نیز ایالات متحده تنها به لطف سرفت در مقیاس وسیع فن آوری از انگلیس و اروپا تنها توانسته است رشد اقتصادی خود را در سطح ابرقدرت توسعه دهد. همانطور که اقتصاد دان میگوید: « انتقال دانش از کشورهای ثروتمند به کشورهای فقیر تر با قلاب یا کلاه برداری، بخشی جدا ناپذیر در توسعه اقتصادی ست. »

دستورالعمل

موفقیت مدرنیزه شده چین با حد اکثر سرعت بر پایه ارکان مختلفی استوار است:

۱ - بخشهای کلیدی اقتصاد در دست دولت است که اکثر بخشهای دیگر را نیز بطور غیر مستقیم کنترل میکند، از جمله با حضور کنترل کننده حزب کمونیست در اکثر شرکتهای متوسط و بزرگ.

۲ - بخش مالی تحت کنترل دقیق دولت است.

۳ - اقتصاد برنامه ریزی شده است، نه در کلیه جزئیات بلکه بطور کلی، هم در کوتاه مدت و هم در دراز مدت. ۴ - در یک مکانیسم مناسب بازار که بصورت پویا در حوزه های مختلف اقتصادی توسعه یافته است، ابتکارات خصوصی (بسیار زیادی) وجود دارد. مکانیسم بازار تا زمانی در اهداف اقتصادی و اجتماعی (از برنامه ریزی کلی) دخالت نکند، تحمل می شود.

۵ - در مقایسه با سایر کشورهای درحال ظهور، میزان باز بود سرمایه گذاری خارجی و تجارت خارجی بسیار زیاد است، مشروط بر اینکه با اهداف اقتصادی جهانی چین مطابقت داشته باشد.

۶ - تلاش زیادی برای توسعه زیر ساخت ها و تحقیقات و توسعه انجام می شود.

۷ - دستمزد ها تا حد زیادی از افزایش بهره وری پیروی می کنند، که یک بازار داخلی بزرگ و پویا ایجاد کرده است.

۸ - مبلغ نسبتاً زیادی در آموزش، مراقبتهای بهداشتی و تأمین اجتماعی سرمایه گذاری می شود.

۹ - کشور برای ده ها سال از صلح برخوردار بوده است و سطح نسبتاً بالایی از صلح اجتماعی در محیط کار



اجرا می کند.»

به عنوان مثال، تنها در دو سال، چین سیستم بازنشستگی را به ۲۴۰ میلیون ساکن روستایی افزایش داده است، که از تعداد کل افرادی که تحت پوشش سیستم بازنشستگی ایالات متحده قرار دارند، به طرز چشم گیری فراتر می رود.

بنا بر این جای تعجب نیست که دولت چین می تواند به حمایت زیادی از مردم اعتماد کند. حدود ۹۰٪ می گویند کشورشان در جهت صحیح پیش می رود. در اروپای غربی، این بین ۱۲ تا ۳۷ درصد (میانگین جهانی) است.

حزب کمونیست

ستون فقرات مدل چینی حزب کمونیست است. با بیش از ۹۰ میلیون عضو، این بزرگترین سازمان سیاسی جهان است. این چنین ستون فقرات با نسبت های عظیم جمعیت این کشور نه تنها مفید و حتی لازم می باشد. چین به اندازه یک قاره است. این کشور ۱۷ برابر فرانسه است و ساکنان این کشور جمعا به اندازه اروپای غربی، اروپای شرقی، کشورهای عربی، روسیه و آسیای میانه می باشد. تفسیر این موضوع در شرایط اروپا بدان معنی است که مصر یا قرقیزستان باید از بروکسل اداره شوند. با توجه به این تناسب، تفاوت های زیاد بین مناطق و چالش های عظیم این کشور پیش بینی می شود، یک نیروی انسجام یافته قوی برای حفظ حاکمیت کشور لازم است که قادر به اجرای یک سیاست محکم و پابرجا باشد. به گفته اکونومیست:

«حاکمان چین معتقدند که این کشور بدون حاکمیت تک حزبی به حکمی یک امپراتور می تواند روی پایش بایستد. (و آنها ممکن است درست بگویند).»

این حزب افراد بسیار ماهر را جذب می کند. روند انتخاب برای ارتقاء رهبران سطح بالا عینی و سختگیرانه است. کشور محبوبانی، کارشناس ارشد آسیا:

«به دور (بعید است) از یک سیستم دیکتاتوری دلخواه، حزب کمونیست چین ممکن است در ایجاد یک سیستم حاکمیتی قدرتمند و با دام، شکننده و آسیب پذیر نباشد. حتی قابل توجه تر و بر انگیزه تر، این سیستم حاکمیتی احتمالا بهترین مجموعه از رهبران چینی را بوجود آورده است.»

تقریبا سه چهارم جمعیت می گویند که از سیستم تک حزبی پشتیبانی می کنند.

روابط بین المللی

اقتصاد چین تا حد زیادی خود کفا بوده است. این کشور توانسته است بطور منزوی از دنیای خارج و جداگانه زندگی کند و غالبا چنین کرده است. حتی در اوج قدرت امپراتوری خود، چین فرهنگ خود را با روابط دیپلماتیک و اقتصادی گسترش داده و نه از طریق فتوحات نظامی. (۶) این شیوه سیاست خارجی در تاریخ اخیر نیز حفظ می شود. چین در تلاش برای جهانی چند قطبی است که با برابری بین همه کشورها مشخص می شود. چین حاکمیت را به عنوان سنگ بنای نظم بیت المللی می داند و هر گونه دخالت در امور داخلی یک کشور دیگر را بهر دلیلی رد می کند. این اغلب چین را مورد ملامت قرار می دهد که عملکردش

خود را تنها الگوی معتبر به حساب می آورد. این بینش تاریخی نشان می دهد که می دانیم تقریبا تمام رژیم های فاشیستی در رحم دموکراسی پارلمانی غربی متولد شدند. یک ناظر بی طرف نیز مشاهده خواهد کرد که دموکراسی غربی عمدتا به منافع یک درصدی ها کمک می کند. این فاقد یک دید طولانی مدت و یک سیاست مؤثر برای مقابله با مشکلات اجتماعی و محیط زیستی است. و اینکه این زمینه را برای چهره های فریبنده، غیر قابل پیش بینی و خطرناک مانند تارمپ، جانسون، بولسونارو و دوترته فراهم کرده است.

وقتی صحبت از دموکراسی می شود، تأکید در غرب بر جنبه درونی است. در این سؤال که تصمیم گیری چگونه و از طریق چه کسی صورت می گیرد. روش های انتخاب رهبری سیاسی چیست و آیا اراده یا خواست شهروندان توسط نمایندگان منتخب ابراز می شود؟ انتخابات مهم ترین عنصر در این امر است.

برنامه ریزی می تواند این سیاره را نجات دهد: چین انرژی تجدید پذیر را انتخاب می کند

در چین، تأکید بر جنبه برونداد یا بازده است، یعنی در مورد پی آمدهای تصمیم: آیا تصمیم موفقیت آمیز است و چه کسی سود می برد؟ نتیجه مهم است، حاکمیت خوب و منصفانه مهم ترین ملاک است. (۴) از این نظر، چینی ها اهمیت بیشتری به کیفیت سیاستمداران خود می دهند تا رویه های انتخاب رهبران.

تصمیم گیری های سیاسی با ویژگی های چینی

به گفته دانیل بل، کارشناس الگوی چینی، نظام سیاسی چین ترکیبی از دولت شایسته یا افرادی که براساس توانایی اشان انتخاب شده اند در بالا، دموکراسی در پایه و فضا برای آزمایش در سطوح میانی (مداخله کننده) است. رهبران سیاسی براساس شایستگی های خود انتخاب می شوند و قبل از ارتقاء پیدا کردن به صدر، روند سخت آموزش، ممارست و ارزیابی را طی می کنند. انتخابات مستقیمی در سطح شهرداری ها و کنگره های استانی حزب برگزار می شود. نوآوری های سیاسی، اجتماعی یا اقتصادی ابتدا در مقیاس کوچک تر (چند شهر یا استان) مورد آزمایش قرار می گیرند و پس از ارزیابی دقیق و تعدیل در مقیاس بزرگ ارائه داده می شود. (۵) به گفته دانیل بل، این ترکیب «به بهترین فرمول برای اداره یک کشور بزرگ» نزدیک می شود.

علاوه بر این، دولت مرکزی نظر سنجی را بطور بسیار منظم سازماندهی می کند یعنی عمل کرد دولت در زمینه های تأمین اجتماعی، بهداشت عمومی، اشتغال و محیط زیست را ارزیابی می کند. محبوبیت رهبران محلی نیز موضوع بررسی ها است. بر این اساس، سیاست ها اغلب تعدیل می شوند.

سیستم تصمیم گیری چینی ارزش خود را ثابت کرده است. فرانسیس فوکویاما، که به سختی می توان او را همدرد چپ یا چینی شناخت.

وی گفت: «مهم ترین قدرت سیستم سیاسی چین توانایی آن در تصمیم گیری های بزرگ، پیچیده و با سرعت و حد اقل در سیاست گذاری اقتصادی نسبتا مناسب آنهاست. چین با سرعت خود را وفق می دهد، تصمیم گیریهای مشکل می گیرد و آنها را بطور مؤثر

در مورد حقوق بشر در سایر کشورها بسیار اندک است. در هر صورت چین تنها عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل است که در ۳۰ سال گذشته یک گلوله هم خارج از مرزهای خود خارج نکرده است.

جهانی سازی به سبک چینی

امروز، چین دیگر خود کفا نیست. با ۱۸٪ جمعیت جهان، تنها ۷٪ از زمین های زراعی قابل کشت جهان را دار است و تنها ۵٪ از نفت جهان را وارد می کند. علاوه بر این، این کشور به مراتب کالاهای بیشتر از مصرف تولید می کند. به همین دلایل، چین امروز به بازار های جهانی بسیار وابسته است.

وابستگی چین به تجارت جهانی و «محاصره نظامی» این کشور توسط ایالات متحده (در زیر توجه کنید)، چین را وا داشته تا ابتکار عمل برای جاده ابریشم را انجام دهد. دو هزار سال قبل، در دوره سلسله هان، جاده ابریشم مشهور جهان، چین را از طریق اوراسیا به دریای مدیترانه وصل کرد. این پروژه نیز مانند مسیر تجاری تاریخی، امروز به شبکه گسترده ای از مسیر های دریایی و زمینی تبدیل شده است، که در سال ۲۰۱۳ تحت نام «یک کمر بند، یک جاده» راه اندازی شد.

در این میان، بیش از ۱۶۰۰ پروژه در کار ساخت و ساز و زیر ساخت ها، پروژه های حمل و نقل، هوایی و بنادر دیگر اما هم چنین در ابتکارات مبادله فرهنگی درگیر هستند. صدها سرمایه گذاری، وام، توافق نامه تجارت و منطقه ای و ده ها منطقه ویژه اقتصادی با ارزش ۹۰۰ میلیارد دلار در ۷۲ کشور جهان گسترش یافته است که جمعیتی در حدود ۵ میلیارد نفر یا ۶۵٪ جمعیت جهان را تشکیل میدهد. پروژه «یک کمر بند، یک جاده» بزرگترین برنامه توسعه از زمان برنامه مارشال برای بازسازی پس از جنگ جهانی دوم در اروپاست.

مارتین جکس، «جاده ابریشم جدید» را جهانی سازی به سبک چینی توصیف می کند. ابتکار عمل «یک کمر بند، یک جاده» قویا یاد آور استراتژی بازرگانی هلند ۴۰۰ سال پیش است. استعمار انگلیس و فرانسه به معنی واقعی در جستجوی سرزمین های فتح شده بودند. آنها فتوحات نظامی را برای تسخیر و مطیع ساختن جوامع و بعد غارت ثروت های آنها ترتیب دادند. از سوی دیگر، آمستردام در تلاش بود تا یک «امپراتوری تجارت و اعتبار» را بدست آورد. این مربوط به قلمرو نبود بلکه در مورد تجارت بود. هلندی ها یک ناوگان غول بکر را ساختند، پست های معاملاتی را در مسیر های اصلی نسب کردند و سپس تلاش کردند تا آنها را امن کنند. مانند هلندی ها در قرن هفدهم، چین در حال حاضر بزرگترین ناوگان بازرگانی را دارد. (۷) استراتفور، یک اطاق فکر معتبر می گوید: مناطق ویژه اقتصادی «پادگان های تجاری در جهان زنجیره ایست که برای چین این امکان را فراهم می کند که منابع خود را بدون سیاستهای کثیف و آشفته انقیاد استعمار، تأمین کند.»

مناسبات به سمت شمال و جنوب

رشد عظیم چین در قلب آسیا به عنوان یک کاتالیزور برای کل قاره عمل کرده است. مرکز ثقل اقتصادی جهان به سرعت در حال چرخش به سمت اقتصادهای فقیر نشین آسیا است. هم چنین به طرز چشم گیری تقاضا



و انواع ربات ها کار می کند که یک دشمن در آینده قادر به مقابله با آن نباشد. جنگ پیش گیرانه از این امر مستثنی نیست.

مسیر دوم محاصره نظامی است. چین برای تجارت خارجی خود ۹۰ درصد به حمل و نقل دریایی نیاز دارد. بیش از ۸۰ درصد از تأمین نفت این کشور باید از تنگه مالاکه (در نزدیکی سنگاپور) عبور کند، جاییکه ایالات متحده آمریکا پایگاه نظامی دارد. واشنگتن می تواند به راحتی انتقال نفت به چین را قطع کند. در حال حاضر چین هیچ گونه دفاعی در مقابل آن ندارد. در اطراف یا پیرامون چین ایالات متحده بیش از ۳۰ پایگاه نظامی، امکانات یا مراکز آموزشی (به نقطه ها بر روی نقشه مراجعه شود) دارد. ۶۰ درصد کل ناوگان های آمریکا در این منطقه مستقر است. گفت این که چین محاصره شده و تحت فشار قرار دارد اغراق نیست. شما نمی توانید تصور کنید چه اتفاقی می افتد اگر چین حتی یک تأسیسات نظامی نسب کند، چه رسد پایگاهی در نزدیکی ایالات متحده باشد.

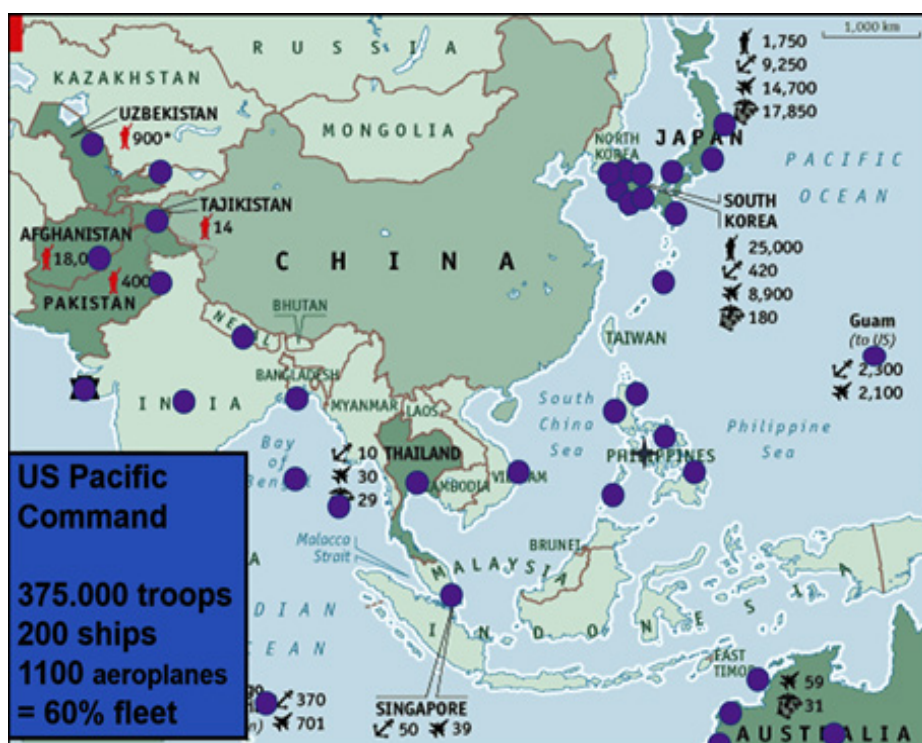
در همین زمینه است که باید نظامی شدن جزایر کوچک در دریای جنوب چین و هم چنین ادعای آن در

داشت: « رقابت استراتژیک بلند مدت با چین اولویت اصلی ایالات متحده است ». این نه تنها در مورد جنبه های اقتصادی بلکه در مورد استراتژی کلی ست که باید در چندین جبهه انجام گیرد. هدف حفظ سلطه در سه حوزه است: فن آوری، صنایع آینده و تسلیحات.

ترامپ در حال بازگرداندن کامل روابط اقتصادی بین ایالات متحده و چین است. جنگ تجاری کنونی چشم گیر ترین آن است، اما این تنها حاشیه استراتژی بزرگتر است که شامل سرمایه گذاری، سرمایه گذاری چینی در ایالات متحده و سرمایه گذاری ایالات متحده در چین می باشد. در وهله اول بخش های استراتژیک با منظور مختل کردن پیشرفت تکنولوژی چین هدف می گیرند. از این نظر، بی اعتبار کردن شبکه ۵ جی بسیار مهم است. تصادفی نیست که هواوی که در توسعه فن آوری ۵ جی بسیار جلو تر است، به یک آماج یا هدف گیری اصلی تبدیل شود.

دولت ترامپ هم چنین در تلاش است که این جنگ اقتصادی با چین را به کشورهای دیگر با داشتن بندهایی در توافق نامه های منعقد شده گسترش دهد یا به سادگی فشار بر آنها وارد آورد. هدف این است که نوعی « پرده آهنین اقتصادی » دور تا دور چین ایجاد کند.

استراتژی نظامی ایالات متحده



مورد بخش بزرگی از این منطقه دریائی را مشاهده کرد. کنترل مسیر های حمل و نقل که در طی آن انرژی و کالا های صنعتی آن حمل می شود برای پکن از اهمیت بسیار حیاتی برخوردار می باشد. درست در همین زمینه است که مسیر جدید ابریشم را باید دید. قهرمان آلودگی و فضای سبز

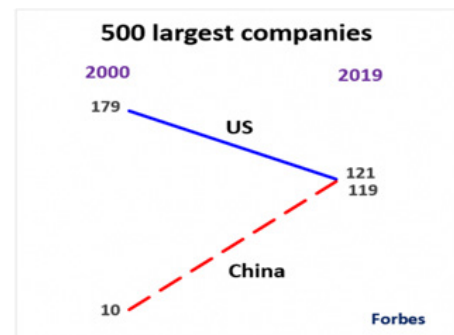
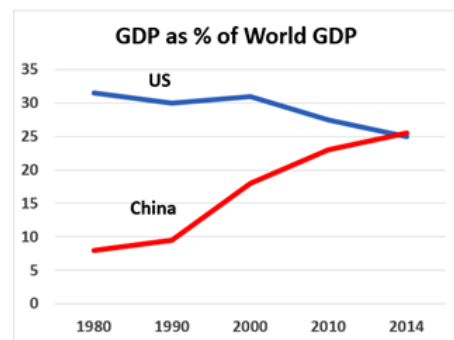
استراتژی نظامی ایالات متحده به سمت چین دو مسیر دارد: مسابقه تسلیحاتی و محاصره این کشور. (۸) مسابقه تسلیحاتی در نوسان کامل است. ایالات متحده آمریکا سالانه ۶۵۰ میلیارد دلار برای اسلحه یا بیشتر از یک سوم کل جهان هزینه می کند. یعنی ۲.۶ برابر چین و ۱۱ برابر سرانه است. هم چنین سالانه ۱۵۰ میلیارد دلار برای تحقیقات نظامی هزینه می کند، یعنی ۵ برابر چین. پنتاگون با اشتیاق زیاد بر روی نسل جدیدی از سلاح های بسیار پیشرفته، هواپیماهای بدون سرنشین

برای مواد اولیه را افزایش می دهد و به نفع بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین و آفریقا ست.

صنعتی شده آسیای شرقی صفات و خصوصیات « گاز های پرنده » را نشان می دهد. با پیشرفت اقتصادی کشور دستمزد بالا می روند و کارهای تولیدی کمتر پیچیده به مناطق فقیر تر و هزینه های کار پائین تر انتقال می یابد. این نخستین بار در ژاپن، سپس در کره جنوبی و تایوان اتفاق افتاد و امروز این روند در چین در حال انجام است. به دلیل دستمزدهای بالاتر در چین، شرکت های چینی اکنون تولیدات خود را به کشورهایمانند ویتنام و بنگلادش، بلکه هم چنین بطور فزاینده ای به آفریقا منتقل می کنند. اگر این روند ادامه یابد، می تواند به ساخت یک پایگاه صنعتی در قاره آفریقا کمک کند.

مقابله با ایالات متحده

انقلابات سوسیالیستی در قلب سرمایه داری رخ نداد بلکه در ضعیف ترین زنجیره های آن، فقیر ترین و توسعه نیافته ترین کشورها رخ داد. سپس یک سیستم اجتماعی پیشرفته می بایست بر مبنای مادی ضعیف ساخته میشد، که باعث موانع و تضاد های بسیاری شده است. ۷۰ سال بعد آن وضعیت به شدت تغییر کرده است. پیشرفت عظیم فن آوری در چین و رشد چشمگیر اقتصادی آن، پایه های محکمی برای ساختن یک جامعه سوسیالیستی بوجود آورده است. البته، واشنگتن ایدا از این اتفاق خوشحال نیست. حتی بد تر از آن این واقعیت است که چین آمریکا را تهدید می کند چون از نظر اقتصادی در حال پیشی گرفتن است. این دو پدیده « جنگ سرد جدید » بین ایالات متحده و چین و تهدید « جنگ آتشین » را به جلو می برد.



در متن بودجه سال ۲۰۱۹، کنگره ایالات متحده اظهار



## منصور حکمت و حزب سازی ۱

پرتو، دوباره و برای هزارمین بار کشف کرد که: کمونیسم با تمایلات عمیق رنجبران و الغاء مالکیت خصوصی بر وسائل تولید و محو استثمار طبقاتی سازگاری دارد. و طعم قدرت سیاسی را در چند کشور به پرولتاریا چشاند است، می نویسد:

«این درست است که سوسیالیسم علمی از درون جنبش خود بخودی نمی‌روید، اما این ابداع به معنای آن نیست که کمونیسم همواره و تا ابد، علیرغم پیوند تاریخی که با بخش‌های مختلف جنبش جهانی کارگری یافته است، جریانی خارج از جنبش طبقاتی است که باید مدام با آن «پیوند» بخورد و در هر کشور هر روز از نو پیوند بخورد... اتحادیه‌گری بیش از پیش از حالت خود بخودی در

خود را کمونیست می‌نامد چنین وظیفه خطیری را انجام ندهد و اساساً در سمت انجام این وظیفه خطیر به عنوان وظیفه مرکزی گام بردارد، حزبی را که تشکیل می‌دهد، دیگر یک حزب کمونیستی نیست بلکه یک حزب هوادار پرولتاریا در خارج از طبقه پرولتاریاست.

حال ببینیم دیدگاه منصور حکمت چگونه است: منصور حکمت دو دیدگاه را سد راه ایجاد حزب کمونیست میداند: ۱- دیدگاه اکونومیستی ۲- دیدگاه ولونتاریستی (اراده گرایانه) او در نقد دیدگاه اکونومیستی، پس از این که تربیت و آموزش دراز مدت پرولتاریا را یک موضع پاسیفیستی اعلام نمود و همراه همکارش آقای

حزب سازی:

لنین می‌گوید: «دقت و توجه عمده باید بدان معطوف گردد که کارگران را تا سطح انقلابیون ارتقاء دهیم نه اینکه، آن طور که اکونومیست‌ها مایلند، خودمان حتماً تا سطح «توده کارگر»... تنزل نمائیم.»

در عین حال «مبارزه خود بخودی پرولتاریا، تا زمانی که یک سازمان مستحکم انقلابیون آنرا رهبری نکند، به مبارزه طبقاتی» حقیقی پرولتاریا مبدل نمی‌گردد.»

لنین در اینجا از حضور حزب بلشویک در جنبش کارگری و تلاش این حزب جهت ارتقاء سطح آگاهی کارگران صحبت می‌کند. اگر سازمانی که

## جامعه و تحلیل دینامیسم پویشی

جامعه ایران شریان‌های منابع فسیلی ایران به روی موتور صنعتی جهان سرمایه داری بسته نشود. این جریان روستا نشینان را به شهرها کوچ داده و آنها را به طبقه متوسط شهری نزدیک می‌کرد که در عین حال انحصار و مصادره مالکانه، فقر عمومی را به اکثریت تحمیل و صدای عدالت خواهی و آزادی خواهی سیاسی را در جامعه همگانی کرد و شاه و هیات حاکمه را بی‌لیاقت و مصادر گر نشان داد که البته ماهیت سرمایه داری همین هم هست.

آن نظام حاکم در معادلات بین المللی به سهم خواهی بیشتر و جایگاه برتری چشم دوخته بود که به مذاق اربابان سرمایه خوش نیامد و کودک

شده است: دولت، مجلس، دادگستری، ملت و ارتش، پلیس، دانشگاه، بهداشت، رسانه و آموزش و حزب و هویت ملی و... همه این مفاهیم انضمامی در روند مدرن سازی نظام حاکم و شکل گیری مالکیت خصوصی سرمایه دارانه در کشور پیاده شده و به تبع سرمایه داری شکل گرفته جهانی تکوین یافته اند.

از دوره دوم پهلوی و با انقلاب به اصطلاح سفید، این روند با یک دکترین مشخص آمرانه شروع شد که در پشت موج مدرن سازی ایران، وام‌های دراز مدت بانک جهانی و صندوق توسعه بین المللی و پول نفت به تاراج رفته خوابیده بود. و انتظار این بود که به بهانه مدرن سازی و مصرفی کردن

نوشتن از جامعه و تحلیل دینامیسم آن پویشی در لحظه و همراه جریانات و رخداد های اجتماعی می‌طلبد، که هر لحظه و زمانیکه که از رخداد و فضا زمان دیروز دور می‌شویم، ماهیت درونی این دینامیسم روند حرکت جامعه را به پیش برده و تغییر می‌دهد و ما را نسبت به آن دور و ناآگاه. مگر اینکه بخواهیم ساختار کلی جامعه را در گذر زمان برشی عمودی بزینم و با تقسیم آن به دوره و دهه و قرن، آنرا تبیین و تحلیل کنیم.

جامعه و مرز و بومی بنام ایران، ماهیت جغرافیایی اش و خط و مرز خاکی اش در طول دوران تغییر کرده است. ولی از دوره ای به نام دوره مشروطیت با ویژگی های خاص کشوری تبیین و مشخص

## خشونت علیه زنان

اجتماعی و خصوصی تبدیل می‌شود. خشونت اساساً یک فرهنگ نیست بلکه یک مناسبات بشدت نابرابر است که قابل حل به روش های دوستانه و صلح جویانه نیست. خشونت خود زائیده نابرابری و حقوق نابرابر انسان در جامعه است. نابرابری که از آن بهره‌کشی، زور گوئی، ستم و استثمار حادث می‌شود. نتایج حاصل از این مناسبات به عدم امنیت اجتماعی منتهی می‌شود که خود از عدم برابری انسان‌ها در برابر قوانین جامعه است. بویژه اینکه برخی قوانین از بدوش در خود نابرابری و زور گوئی و ستم و

بیکاری، گسترش فقر و کاهش خدمات آموزشی و فرهنگ همراه است، باعث رشد خشونت های اجتماعی می‌شود. خشونت های اجتماعی به بالا رفتن سطح خشونت در کل اجتماع منجر می‌شود. هر تقابل فردی و گروهی و اجتماعی سریعاً به بالاترین سطوح خشونت و بکارگیری اسلحه سرد و گرم منتهی می‌شود. ناشی از مناسبات بحرانی سرمایه داری فرهنگ خشونت به صورت همگانی بازسازی و برای رهایی فردی و گروهی بکار گرفته می‌شود. اما این مناسبات و فرهنگ و رفتارهای خشونت زا خود به عاملی برای بدتر شدن روابط

۲۵ نوامبر امسال مصادف بود با روز محو خشونت علیه زنان که سازمان ملل در سال ۱۹۹۹ به رسمیت شناخته است.

از آن زمان تا به حال نه تنها خشونت علیه زنان کاهش نیافته است بلکه تشدید هم شده است. دلیل آنهم رشد بحران سرمایه داری در ابعاد مختلف از جنگ های ویرانگر و خامان سوز تا به عقب راندن جوامع توسط رژیم های مرتجع و به قدرت رسیدن عقب مانده ترین نیروهای اجتماعی توسط همکاری امپریالیست ها و متحدین منطقه ای شان است. بحران سرمایه داری که با رشد

## با نشانیهای زیر با ما تماس بگیرید و نشریات حزب را بخواهید:

آدرس پستی حزب رنجبران ایران:  
Ranjbar  
P.O.Box 5910  
Washington DC  
20016  
U.S.A



آدرس پست الکترونیکی حزب رنجبران ایران:  
ranjbaran.org@gmail.com  
آدرس غرّفه حزب در اینترنت:  
www.ranjbaran.org